

دوره ششم تقنینیه

# مذاکرات مجلس

شماره  
۱۱۲

جلسه  
۱۴۷

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه يك شنبه ۲

مهرماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۸ ربیع الاول

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

خارج « دوازده تومان »

قیمه تك شماره

يك قران

# فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بخرکمیسیون بودجه راجع به ۱۲۵ هزارنومان اضافه اعتباربلدیه طهران و تصویب آن	۲۳۲۴	۲۳۵۴
۲	قانون اجازه پرداخت ۱۲۵ هزارنومان برای آب طهران و عریض نمودن خیابانها از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵	۲۳۵۵	

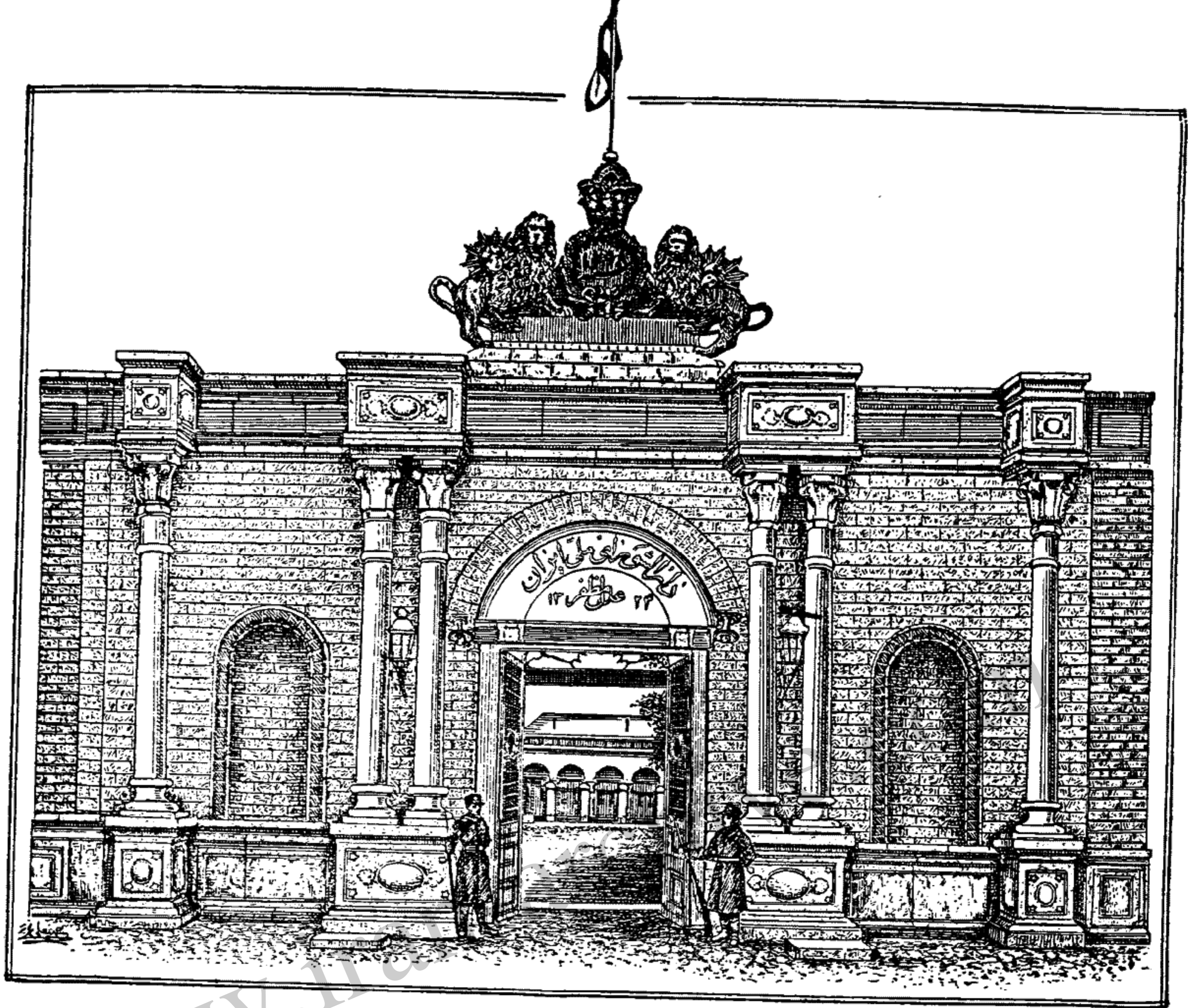
## اصلاح

در شماره ۶۰۶ لایحه مذاکرات مجلس مربوط به جلسه ۱۴۱

صفحه ۲۱۷۹ ستون اول سطر آخر آقایان حاج میرزا حبیب الله امین و جلالی و شیروانی راجع به جزو دستور شدن خبر کمیسیون بودجه درموضوع کمک خرج بلدیه اصفهان پیشنهادی داده اند اشتهاً امضای آقای شیروانی درج نشده و اینک سطر آخر صفحه ۲۱۷۹ ذیل تصحیح میشود:

« پیشنهاد آقایان حاج میرزا حبیب امین و جلالی و شیروانی »

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -  
 افشار - سید ابراهیم ضیاء - آقا علی زارع - مهدوی -  
 عباس میرزا - غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - وزیری -  
 ( صورت مجلس پنجشنبه سی ام شهریور را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲ مهر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۶

### جلسه ۱۴۷

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -  
 افشار - سید ابراهیم ضیاء - آقا علی زارع - مهدوی -  
 عباس میرزا - غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - وزیر -

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا  
 تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس پنجشنبه سی ام شهریور را آقای بنی سلیمان  
 قرائت نمودند )

طباطبائی وکیل - ثقة الاسلامی - اسکندری - عدل - جوانشیر - میرزا ابراهیم آنتیان - ملک آرائی - حاج شیخ عبدالرحمن - زعبم - آیه الله زاده اصفهانی - احتشامزاده - جهانشاهی - دکتر لقمان - میرزا حسن خان وثوق -

غائبین نی اجازه جلسه قبل

آقایان: حاج آقا رضا رفیع - محمد ولی خان اسدی علیخان اعظمی - نظام مافی - باسائی - قوام شیرازی - افسر - آقا زاده سبزواری - حاج حسن آقا ملک - فرشی حاج غلامحسین ملک - امیر اسدالله خان عمری - فومی در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروانی - شریعت زاده

در آمدگان نی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهرابخان - مرضی قلیخان بیات - سلطان ابراهیم خان قحمی -

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد .

( گفته شد خیر )

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - عرض کنم در جلسه قبل جمعی از آقایان محترم پیشنهاد نمودند که لایحه اعتبار بلديه در درجه اول جزو دستور باشد و چون جمعی دیگر از آقایان علاقه مند بودند لایحه مستمری علماء ساوجبلاغ مکرری زودتر تصویب شود عقیده داشتند آن مسئله جزو دستور شود و از برای دادن به اعتبار بلديه خودداری نمودند و حال آنکه بنده معتقدم که آقایان کمال علاقه مندی را دارند که بلديه يك اصلاحات لازم دارد . . . . .

بکنفر از نمایندگان - بلديه قانونی .

امیر حسینخان - بلی بلديه قانونی که هر چه زودتر اصلاح شود . خود آقایان ملاحظه میفرمایند که شهر طهران از حیث بی آبی چقدر صدمه میکشد وضعیت عبور از خیابانها چقدر سخت است چقدر خیابانها تنگ است ، مخصوصاً با بودن این کامیونها و اتومبیل ها

به عقیده بنده یکی از لوائح خیلی واجب است . . . . . آقا سید یعقوب - دو نفر موافق پشت سر هم !! رئیس - پیشنهاد کرده اند .

آقا سید یعقوب - دو نفر موافق که پشت سر هم نمیشود .

دشتی - ( خطاب به آقا سید یعقوب ) اگر شما رئیس هستید بفرمائید .

آقا سید یعقوب - مختارید بنده که بکنفر هستم . دشتی - امروز طهران با این آب و هوا و آفتاب روز کم . امروز مسلولینش زیاد میشود . الحزوی احصائیه که اداره صحیه و اداره بلديه نشان میدهد روز به روز مسلولین زیاد میشوند این برای چیست ؟ برای نبودن آب و زیادی گرد و خاک خیابانها است . این اتومبیل های فراوان . یکی از مواردی که ضرورت پیدا کرده است که این لایحه آورده شده است مسئله بی آبی شهر است . امسال بواسطه نبودن آب میدانید چه گذشته ؟ آوردن آب جاجرود به طهران از اهم فرائض است و از این وجه تقریباً نود هزار تومانش تخصیص داده شده است برای آوردن آب بطهران و بقیه هم اختصاص داده شده است به ساختن خیابانها و بنده تعجب دارم که چطور آقایان در جلسه پیش رأی نداده اند در صورتیکه این مسئله تماس دارد با حوائج عمومی و امیدوارم که آقایان رأی بدهند

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده موافقم

رئیس - آقای استرابادی

معتضد استرابادی - این معمول مجلس که دستور جلسه بعد را در جلسه قبل معین می کنند فلسفه خیلی مهمی است و آن این است که آقای دادگر هم يك روز مفصلاً به عرض مجلس رسانند

يك مطالبی که سابقه ذهني دارد و انسان در اطرافش مطالعه و دقت میکند يك فکرهايي در اطراف آن میکند ولی يك لوايحي که هيچ سابقه ندارد و شايد اغلب آقایان هم همراه ندارند این لایحه جزء دستور شود اغلب آقایان ذهنشان متوجه نیست . این لایحه که میفرمایند جزء دستور شود همانطور که آقای دشتی هم فرمودند يك موضوع مهمی است و صلاح جامعه این است که این مسئله مطرح شود ولی بنده ابتدا به ساکن الان يك چیز هائی بنظر رسیده است که مجبورم مخالفت کنم و شايد اگر مطالعه می کردم این چیز هائی که در نظرم برای مخالفت هست حل میکردم و محتاج بمخالفت در مجلس نمیشدم بنا بر این ممکن است آقایان اجازه بدهند در جلسه آتی در اول دستور گذرده شود که ما هم در خارج در اطرافش يك دقت هائی نموده و مخالفت بی پایه نکرده باشیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

( سه فقره پیشنهاد بشرح ذیل خوانده شد )

پیشنهاد می کنم خبر کمیسیون بودجه راجع بتخصیص صد و بیست و پنج هزار تومان بلديه در درجه اول و خبر کمیسیون بودجه راجع به تخصیص عایدات مستغلات به بلديه طهران در درجه دوم جزء دستور شود

امیر حسینخان - بی سلیبان پیشنهاد میکنم : خبر کمیسیون بودجه راجع باعتبار صد و بیست و پنج هزار تومان بلديه طهران قبل از قانون بلديه مطرح شود .

دشتی

پیشنهاد میکنم : خبر کمیسیون بودجه راجع به فرخ خان ولد کاظم خان عضو سابق گمرک جزو دستور امروز شود .

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده موافقت میکنم که پیشنهاد بنده در درجه دوم گذارده شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که پیشنهاد آقای امیر حسینخان دو جزء دارد یکی عبارت است از صد و بیست و پنج هزار تومان و یکی هم عواید مستغلات است ولی پیشنهاد آقای دشتی يك قسمت دارد. بنده استدعا میکنم پیشنهاد آقای دشتی را مقدم بدارید چون راجع بقسمت عوائد مستغلات، بعضی از آقایان نظریاتی دارند

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - پیشنهاد آقای دشتی يك قسمت است و قسمت اول پیشنهاد بنده هم عین همان است و ممکن است پیشنهاد بنده را تجزیه کنند که در ضمن رأی پیشنهاد ایشان هم گرفته شده باشد

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای دشتی.

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان برای جبران کسر عایدی بلديه در طهران در ۱۳۰۶ مصرف و پرداخت نماید.

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده خیلی متأسف هستم توضیحاتی که آقایان محترم در پیشنهاد دادند با این لایحه دولت یا خبر کمیسیون کاملاً مخالف است. زیرا در خبر کمیسیون مینویسد از باب کسر عایدات بلديه ولی توضیحاتی که آقایان دادند این صد و بیست و پنج هزار تومان اختصاص میدهند برای آوردن آب جاجرود به طهران و پرداخت قیمت دکاکینی که خراب شده است مسئله خیلی فرق دارد کسر عایدات بلديه مربوط به گذشته میشود یعنی بلديه يك عایداتی داشته و يك مخارجی کرده و حالا

فهم خودم صرف نظر کنم و اگر واقماً قانون اساسی را همینطور که بنده عرض میکنم می فهمند پس باید تصدیق کنند ما که در این مملکت معتقد به اصل مالکیت هستیم و این اصل را محترم میشماریم هیچ ملکی را از تصرف مالکش نمیشود انزاع کرد ولو اینکه مصالح عمومی اقتضا کند مگر اینکه مجوز شرعی داشته باشد بعد هم قیمت عادلانه تأدیه شود و لا اگر بنا شود این اصل در مملکت محفوظ نباشد و هر کس بعنوان اینکه فلان ترتیب لازم است يك اقداماتی بکند و اصول را از بین ببرد ما دیگر بهیچوجه نمیتوانیم در این مملکت زندگی کنیم. بنده در این باب نظریاتی دارم و کاملاً موافق هستم با عملیات بلديه ولی نه شرط اینکه قبلاً يك قانون تدوین شود که مجوز شرعی معلوم شده و قیمت عادلانه هم تعیین شود. آن شخصی که با بنده مذاکره میکرد میگفت اگر با این ترتیب خیابانها را وسیع کنند یعنی اگر قانون اساسی از بین برود و قتلی اتفاق نیفتد آیا بهتر نیست از این ترتیب که شما میگوئید؟ من گفتم خبر عقیده ندارم. زیرا اگر يك قتل اتفاق بیفتد این قتل تصادفی است زیرا هیچ کس نمیکشاند در حین عبور کسی را بکشد و این تصادفی است. ممکن است يك خیابان عریض و طویلی باشد قتل هم اتفاق بیفتد ولی اگر رعایت اصول نشود يك جماعتی که امروز عمر معاششان از این دکان و خانه و مستغلات است اگر خانه یا دکان او را خراب کنند يك جماعتی عمر معاششان از بین میرود و این تقریباً يك خانواده را از بین برده است و این عمدي است ولی اگر يك اتفاقی در خیابان افتاد از جهت حوادث است او میگفت نظر کفیل بلديه هم همین است یعنی نظرشان این نیست که چیزی بآنها داده نشود بلکه میخواهند خود مردم بروند اقدامی کنند بلکه راه حلی برای این کار پیدا شود. بنده بیشتر تعجب کردم گفتم مردم کجا بروند راه حل پیدا کنند خانه مردم خراب شود بعد خود مردم بروند شکایت کنند

و راه حل پیدا نمایند؟ برای جبران خسارتشان کجا بروند شکایت کنند؟ بعدلیه بروند شکایت کنند؟ به کجای عدلیه؟ خود عدلیه بنظر بنده امروز مظلوم واقع شده. برای اینکه بقول شخص مطلعی لایق هشت ماه است بیش از سه هزار نفر در محبس ها به انتظار محاکمه مانده اند یعنی مدعی العموم با مستنطق قرار توقیف آنها را صادر کرده عدلیه منحل شده و اینها در محبس ها به انتظار محاکمه مانده اند يك عده شان مرده اند و يك عده شان منتظر محاکمه هستند. با این ترتیب مرده چطور بروند شکایت کنند باید يك ترتیبی شود که اسباب زحمت مردم فراهم نشود و مرده پولشان برسند و واقماً این تعجب آور است دو نفر ایتالیایی را در يك مملکتی محکوم کرده بودند همه دنیا سر بلند کردند که این محکومیت صحیح نیست ولی در این مملکت قریب سه هزار نفر به انتظار محاکمه در این هوای گرم ناستن در محبس ها مانده اند و تکلیفشان معلوم نیست بنده تصور میکنم باید يك ترتیبی کرد که مرده در آسایش باشند خنهای مرده را خراب کردن و پول هم بآنها ندادن البته صحیح نیست از یکطرف هم تصور میکنم کفیل بلديه حقیقاً خواسته است کار خوب بکند ولی دولت های وقت در این خصوص قدری خود داری کرده اند چون حقیقاً يك قوانین دیگری لازم است که مبین اصول قانون اساسی باشد. اصل پانزدهم قانون اساسی میگوید: هیچ ملکی را از تصرف مالک نمیشود خارج کرد مگر با مجوز شرعی آنها پس از تأدیه قیمت عادلانه این اصل مبین لازم دارد یعنی دولت باید يك قانونی بیاورد که طریق مجوز شرعی و طریق تقویم را معین کند ولی بیاورده است. مجلس هم در این کار خود داری کرده است و کلاً نایستی این کار را کرده باشند. بنده حق میدهم به بعضی از وکلا که يك طرحهایی مجلس پیشنهاد کردند و در این ادوار تهنیه چون طرف توجه نشد آنها هم نتوانستند حقیقاً به وظیفه خودشان عمل کنند و يك طرح هایی که مبین قانون اساسی باشد پیشنهاد کنند خصوصاً در این موضوع

راه که در مملکت ساخته میشود تصادف میکند با املاک مردم و در هر کجا بخواهند در املاک مردم تصرفاتی نکنند يك قانونی لازم است که هم مجوز شرعی را معین کند و هم طرز تقویم را. بنده در این چند روزه بنظرم رسید که يك موادی را بمجلس پیشنهاد کنم که برود بکمسیون مبتکرات و از آنجا بپایند بمجلس. نمیخواهم بگویم این مواد کامل است. خیر ناقص است. ولی امیدوارم وقتی بمجلس آمد و در اطرافش مذاکره شد اصلاح شود. این است که پیشنهاد کرده ام. وقتی ضرورت اقتضا کرد که يك املاکی نزد مالکین گرفته شود طرز مجوز شرعی و تعیین قیمتش معین شود که حقیقتاً اگر دولت بخواهد برای مصالح عمومی کار خوب بکند تکلیف معلوم باشد. مثلاً امروز بلدی میخواهد کار خوب بکند واقعاً خیابان چراغ برق راه عبور را بر مردم تقریباً مسدود کرده است و نایستی عریض بشود. از يك طرف بلدی حق دارد از يك طرف هم ما که نماینده این ملت هستیم حق داریم که از حقوق موکلین خودمان دفاع کنیم و هر موقعیکه يك عملی بر خلاف قانون اساسی میشود در این مجلس تذکر بدهیم و نگذاریم بر خلاف قانون اساسی اقدامات بشود. از طرفی هم باید تسهیلاتی فراهم کنیم. و در حقیقت اگر يك قانونی نباشد که مبین اصل پانزدهم قانون اساسی باشد که طریقه مجوز شرعی و قیمت عادلانه را تعیین کند نه شهر ما درست میشود و نه بلدی میتواند يك قدم اصلاحی بر دارد. این است که بنده يك طرحی تقدیم میکنم و استدعا میکنم آقایان هم توجه نفرمایند و این موضوع هم اگر بترتیبی است که در لایحه نوشته شده و برای حساب گذشته باشد بنده حقیقتاً مخالفم برای اینکه حسابهای گذشته بلدی معلوم نیست به مجلس که نیامده که معلوم شود حساب چه بوده؟ و با کی بوده ولی يك بیچاره هائی خانهشان را خراب کرده اند و عجالتاً این خیابان هم به این حال افتاده است و واقعاً بد است

باید البته این خیابان درست شود از آنطرف هم يك مردم بیچاره خانهشان خراب شده که شاید این خانه و مستغلات محل ارتزاقشان بوده و شاید دیگران هم به این درد مبتلا شوند اگر این پول تخصیص شود برای خانه خرابها و آوردن آب به شهر به شرطی که صورت مخارج آنهم به مجلس بیاید بنده هم با این صد و بیست و پنجاهزار تومان با اینکه یقین دارم در ۱۳۰۵ اضافه عایداتی نیست باز موافقت میکنم بجهت اینکه بودن اضافه عایدات مستلزم بودن يك پول موجودی است. اضافه عایدات وقتی است که اضافه مخارج نباشد. ما از ۱۳۰۵ محققاً پول موجودی نداریم. ولی مخارج ضروری مملکت را هم نمیشود نکرد برای اینکه اضافه عایدات نداریم. البته ممکن است يك وقتی يك مالیاتی وضع شود که مردم قبول کنند چرا؟ برای اینکه منافع عمومی اقتضا میکند و البته نباید این ضرر هم متوجه افرادی شود که از این محل ارتزاق میکنند. اگر این مبلغ برای این خانه خرابهائی که خانه شان خراب شده و برای آنهائی که بعد خراب میکنند و برای آوردن آب به شهر باشد بنده هم مخالفی نمیکنم با اینکه میدانم اضافه عایداتی نیست ولی اگر برای کسر مخارج بلدی باشد چون بنده اطلاع ندارم مخالفم و آقایانیهم که پیشنهاد کرده اند در توضیحاتی که دادند نظرشان همین بود که انشاء الله مردم راحت باشند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که همانطور که آقای دکتر گفتند این لایحه از این نقطه نظر برای ما جالب شد که برای جبران خسارت مردم از یکطرف و برای آوردن آب طهران از طرف دیگر میباشد. و الا کسر عایدات بلدی متضمن يك معلومانی بود که بدانیم این کسر از چه راه و از کجا است؟ و برای چیست؟ حالا عبارت لایحه وافی به مقصود نباشد ولی با توضیحاتی که در کمیسیون بودجه داده شده و حالا هم داده میشود منحصراً

بنظر ما برای این دو موضوع است: یکی جیره خسارت تشخیصی که از این راه خسارت برده اند. دیگر برای آوردن آب به شهر. در اینجا که نظر موافق پیدا کردیم برای اینکه خودشان هم فرمودید اگر مقصود این باشد موافقت. آقای مدرس هم گویا همینطور اظهار عقیده فرموده اند. يك مسئله هست که امروز اقتضا پیدا کرد که بنده عرض کنم آن این است: مثلاً صحنه را مثال میزنم وقتی که مباشر يك خدمتی توانست وظیفه خودش را ایفاء کند اینطور اقتضا میکند که انسان به پیشنهادهای او قیافه مساعد نشان بدهد. بنده همیشه عرض کرده ام کسانی که کار خیر و نیک میکنند مطلقاً به اینکه گفته شود کار خیر و نیک میکنی کافی نیست باید لوازم اسباب موفقیت او را فراهم کرد و لوازم و اسلحه کار به او داد. آقایان میدانند بنده عادت به این طور حرف زدن ندارم و سیره بنده این نیست که از کسی مدح کنم. ولی بعضی اوقات اگر آن کسی که مباشر کار نیک است گفته شود خسارت جلو رفتن و بهتر کار کردن را پیدا میکند. تنها منطق بنده این است. بوزر جمهوری سرهنگ کریم آقا. بنده بلدیهای سابق و اوضاع و اشکال آن یاد هست آن میدان نوبخانه و آن دریای پول که در آن چند مظهر مربع صرف شد نظرم هست. آن اوضاع مشوش شهر بخوبی نظرم هست بینی و بین الله بدون اینکه ما از قوای موجوده بخواهیم تمجیدی کرده باشیم که ما را به پستی معرفی کنند عرض میکنم سرهنگ کریم آقا مرد مفیدی است. در زمان مباشرت در خدمت بلدی صبح زود آمده، مواظبت کرده، مراقبت کرده، به جزئیات پرداخته، صرف وقت کرده، کار کرده، رشوه نگرفته، حقه بازی نکرده، و بالاخره يك آدمی را که دارای چنین مکارم اخلاقی است باید مزد داد و بهترین مرزدها به این اشخاص این است که لوازم کارشان را تهیه کرد که بیشتر و بهتر وسیله کارشان فراهم شود. ما که در این مملکت ساکن

هستیم و عشیره و فامیل داریم از او راضی هستیم. اما اینکه نظر آقا به قانون اساسی و قانون شرع معضوف بود. البته اینجا اشخاصی هستند که از این حیث تقده دارند در اظهار عقیده و بنده همیشه اجتناب میکنم که وقتی من به الکفایه هست داخل در حدود و حقوق آنها بشوم و آنها را آزاد میگذارم. تنها چیزیکه بنده بنظر می آید این است که در مقابل عمر و حرج اینگونه تسهیلات گویا جائز باشد و میشود درس قائل به اجتناب شد. خود بنده عقیده دارم که از نقطه نظر عرفی (حالا شرعیش را به خبره هایش واگذار میکنم و تجاوز بمخوف آنها نمیکنم) ولی واقعاً این قیافه خیابانهای کثیف با اینکه احتیاجات ما عوض شده. سابق بر این ما کوچه برای الاغ ساخته ایم حالا که اتومبیل آمده است باید گشادتر بشود زیرا چیزی که باید از آن عبور کند حجیم تر و بزرگ تر است و بالاخره باید به این نوع افکار کمک کرد. قضیه که بیشتر در نظر ما اهمیت دارد و مخصوصاً امسال زحمتش را حس کردیم موضوع آب است. يك چیز مهم در اخلاق ما هست که این چیز غریبی است!! شاید در ملل دیگر هم باشد ضرر هائی که با ما تماس دارد ما می فهمیم ولی اگر بگویند در آینده می آید یا مدتی ازش گذشت دیگر احساس نمیشود. مثلاً آب شهر. امسال از این حیث بما خیلی سخت گذشت محلات دور دست شهر آب نداشتند و مردم خیلی بد گذشت و عملاً دانسته شد که اگر باران نیارد و در کوهسارهای ما برف کافی نیفتد ما باید از تشنگی بپیریم و این طرز زندگانی غریبی است که اهالی يك پایتختی زندگانش متوقف بر این باشد که باران بیاید و اگر باران نیاید اهالی بسوزند. بنا بر این بنظر بنده خلاصه مذاکرات این است که چون این قضیه مربوط به دوکار خیر که یکی جیره خسارت مردم و دیگری ترفیه حال اهالی و سکنت طهران است عقیده بنده این است که باید کمک کرد و با آنها موافقت و مساعدت

نمود. ضمناً میخواهم آقای مدرس را توجیهات را جلب کنم که اگر احیاناً نظری هست که بالاخره میخواهند میخ کوب شود که این اعتبار اختصاص پیدا کند به این دو موضوع پیشنهاد بفرمایند ما هم اجابت خواهیم کرد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده مخالفم

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم و عقیده ام این است که نه تنها حالا کافی نیست بلکه پس از مذاکره کردن ده نفر دیگر هم کافی نیست و هیچ دلیلی قویتر از این برای نا صحیحی کار نیست که ما بگوئیم که باید يك همچو چیزی که بعقیده من هزار عیب دارد همینطور تا وارد مجلس شد کور کورانه تصویب کنیم اقلاً آقایان اجازه بدهند که مردم مطالب خودشان را بگویند کار شکافته شود ایشان اظهاراتشان را کردند ما گوش دادیم با کمال آرامی ما هم حرفمان را بگوئیم بعد رای بگیریم فوراً رأی دادن بکفایت مذاکرات خیلی ناشایسته است

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده اینکه با کفایت مذاکرات هم مخالفت کردم واقعاً خیلی حرف دارم در این مطلب ولی برای اینکه میخواهم خیلی مطول کنم بطور اختصار عرض می کنم. ما در اینجا مکرر درباره صرف پول مملکت مذاکرات کردیم اگرچه از مدتی باینطرف هیچ فرصتی برای ابتکار بدست نیامده است که ما در این باب (که بعقیده بنده مهمترین وظایف مجلس همین است) صحبت کنیم ولی چون بودجه به مجلس نیامده است و بعقیده

(همه هم بعضی از نمایندگان)

یکی از آقایان فاعده اصولی را آوردند اینجا گفتند لاضرر ولاضرار. اما آن جائی که مال مردم را از دستشان میگیرند مجوز شرعی دارد. (نمایندگان - صحیح است) آنجائی است که قشون اسلام بید از آن راه برود شارع عمومی است یا مثلاً راه آهن است منافع نظامی دارد. نه اینکه اتوموبیل چند نفر از آنجا میخواهد عبور کند شما آنچه که برای نجات در این شهر میکنید دو بیست و هجده هزار نفر ابتدا علاقه بانها ندارند. برای دو هزار نفر فرنگی ماب است که میخواهند نچمن داشته باشند...

دادگر - از کاوه بد گرفتیم.

شیروان - روح و جسد باید فرنگی شد.

تقی زاده - این شهر قشنگی لایه ندارد. بله آنها گفتند اصول تمدن را باید آورد. اگر پیروی از من میکنید من کفم اصول تمدن را معنویاتش بردارید نه صورتش را! صورتش هم خوب است ولی جائیکه يك مثقال از معنویاتش بردارید يك من هم از صورتش بیارید. نه جائیکه همه چیز را منحصر بصورت است میکنید. شکل قشنگ و لباس قشنگ. يك خوردن از روحیات را درست بکنید...

شیروانی - آب پك خوردن

تقی زاده - آب آوردن بشهر خیلی چیز خوبی است خانه های مردم را اگر اجازه پارلمان و مجوز شرعی خراب کرده بودند و پولش را داده بودند کار خوبی بود. ولی این دو چیز را نمیشود داخل هزار چیز دیگر کرد و رأی گرفت. اگر يك وقتی برای آب آوردن از جاجروود بشهر يك اقتضائی بشود باید يك لایحه فوق العاده باین مجلس بیارند يك عوارضی طرح کنند که از اهل شهر بگیرند ما فوراً تصویب میکنیم. این عرضی که بنده میکنم بعضی از آقایان آمدند اینجا فرمایشات فرمودند که رئیس بلديه آدم خون است و نیتش پاك است بنده باین رئیس بلديه و مباشر هیچ کاری کار ندارم و هیچ

تقی زاده - برای این شهر چیزی که لازم است بلديه درست بکند این است که آبش باید تمیز باشد. باید میکروها را دفع کنند. برای صحت مملکت باید کار بکنند. برای مردم نان تهیه بکنند (بعضی از نمایندگان صحیح است) همیشه دوسه تا از این چیزهای خوب را میگذارند نوی جیبشان و در مقابل آن پنجاه چیز دیگر میآورند و فوراً میخواهند بگذرانند! بنده هیچ شریک نیستم که به خانه های مردم پول بدهند. چرا؟ برای اینکه اصلاً نباید خراب کنند. کی گفته است خراب کنند؟! شما يك کسی را داشته باشید هر روز ول کنید توی کوچه ها مردم را مجروح بکنند آنوقت بگوئید دبه بدهیم! چرا خراب بکنند؟ خراب بکنند برای اینکه اتوموبیل تند برود؟! هیچ لازم نیست. برای مملکتی که باین درجه فقر دارد و مردم از مالاریا صد هزار نفر میمیرند نان ندرند بخورند لباس ندارند پیوسته باید بابتختش خیابانهای خوب داشته باشد که دیگران بیایند با اتوموبیل بروند! ابتدا لازم نیست. این اگر کجاگر گناه است! کی گفته است این خیابانها را خراب بکنند. شما بگوئید اینها را خراب کرده اند. حالا که بیچاره مردم خانه هایشان خراب شده بیایید پول بدهید! مگر ما گفته بودیم که خراب کنند؟ ایولیکه بلديه در این مملکت باید صرف کند فقط باید مربوط بصحیه باشد و مربوط بامور صحتی مردم باشد. آبش باید تمیز باشد انواع و اقسام میکروها را دفع کند. در كوچه ها جاهائیکه زباله ها ناخوشی میآورد آنها را رفع کند مختصر برونمایی هم اگر در شبها در فاصله صد متر دو بیست متر يك چراغ باشد کافی است. از همان چراغهای قدیمی هم باشد خوب است. عیبی ندارد. اینجا پاریس نیست. (جمعی از نمایندگان - صحیح است) اگر دارائی تمام مردم این مملکت را بشارند بقدر يك محله پاریس پول ندارند (صحیح است) بعضی آقایان میگویند خصوصاً

بنده تا چند سال دیگر هم نخواهد آمد مگر در اواخر ماه اسفند یا يك روز قبل از تعطیل مجلس که به شکل تفریح بودجه خواهد آمد و دیگر تصویب آنرا خواستن هم يك نوع از استهزاء است. در دوازده ماه که می خواهیم صحبت میکنیم فوراً میگویند اگر امروز ندهید فردا نظمی معطل میباشد ما هم البته دلان میسوزد بعقیده بنده این مملکتی که باین اندازه فقیر است و باین اندازه در فقر اقتصادی است امراض گوناگون اهالی مملکت را قتل عام می کند در باب صرف کردن پولی که از این مردم فقیر بهزار زحمت گرفته میشود برای صرف هر دینارش و کلاً باید يك حس فوق العاده داشته باشند يك زحمی داشته باشند و نهایت دقت را بکنند. اولاً بلديه ها بترتیب قانونی نیفتاده که يك عایداتی مخصوص خودش باشد که از خود اهل شهر بگیرد و بیشتر بایسد از متمولین شهر و آنهائیکه از صاف بودن خیابانها آب پاشی و منور بودن خیابانها استفاده میکنند و میخواهند اتوموبیلشان راست برود و هیچ جا هیچ چیز بچرخ بر نخورد و در هر چهار راهی هم نیم دقیقه معطل نشود از آنها باید بیشتر بگیرند. اما اینجا از پول خود مملکت صرف پایتخت میشود. مکرر اینجا گفته شده است که ولایات کفایت پایتخت نیست. يك دیسار از پول این مملکت و دهاتها را صرف کردن برای اینمصرف بزرگترین گناه است بعقیده بنده.

کازرونی - عهد مشروطه است

تقی زاده - بعقیده بنده اگر از خود این شهر پول بگیرند و حتی از متمولین آن پول بگیرند باز هیچوجه جایز نیست که يك عشر آن را هم برای نجات این شهر صرف بکنند. برای این مملکت هیچوجه جایز نیست يك تومان صرف نجات بکنند، صرف راست بودن و عریض بودن خیابانها بکنند اصلاً برای این مملکت لازم نیست بکنند اتوموبیل داشته باشد باید با الاغ و اسب بروند...

وقت هیچ حرفی نمی‌زنم که راجع بخونی یا بدی آن شخص باشد در هیچ جایی و هیچ وزارتخانه. و نظریه راجع به خود کار است. شاید هم نظرش خوب باشد ولی این اصل صحیح نیست که هر کس خوب باشد باید به پیشنهاد او ما کورکورانه رأی بدهیم! ما این جا نشسته ایم که حلاجی کنیم و مو شکافی کنیم و به بینیم که این آدم خیلی خوب ملتفت شدنش هم خیلی خوب است با اینکه تنها خودش آدم خوبی است؛ اگر يك جانی را خوب ملتفت نشده باشد یکی از وکلای که بهتر ملتفت میشود با او میگوید مجلس شورای ملی هم معنایش این است. مخصوصاً میخواستم این را عرض کرده باشم اینهایی را که بنده اینجا صحبت میکنم ممکنست یکی از آقایان ببینند اینجا و یکساعت هم در جواب بنده فرمایشات بکنند و بالاخره رای هم بدهند. ولی ما بیشتر حرفهای را خطاب به ملت میگوئیم و امیدواریم در آینده تأثیراتی داشته باشد. اصلاً در آن مهالکی هم که خیلی پول دارند، هزارها میلیون و میلیارد پول دارند همچو موقعی که مرسد شهر قدیم را خراب نمیکنند. خیابان از وسط شهر قدیم باز نمیکنند. مساجد کهنه و اینها را خراب نمیکنند. از یکطرف شهر که باز است طرف صحرا یا طرف کوه يك قانون میگذرانند که باید پنجاه ذرع عرضش باشد و چطور باشد و برور زمان آنجا يك شهر جدیدی پیدا میشود. مثلاً طهران جدید. آن شهر قدیم را هم بحال خود باقی میگذارند باک میکنند بتدریج شاید خیابانها را هم عریض میکنند یعنی قرار می گذارند هر خانه که بعد از پنجاه سال صدسال اگر خراب شد و صاحبش خواست مجدداً بنا کند نیم ذرع عقب بکشد مثل این که در اسلامبول این قانون بود که نیم ذرع عقب بکشد. ولی هیچکس را نمیگویند خانه ات را الان خراب کن ما میخواهیم خیابان درست کنیم بعقیده بنده آنچه که راجع به خانه ها است این رأی که میدهیم برای اتومبیل

است و برای چند نفر اتومبیل سوار. آنچه که راجع بآب است چون ما نمیدانیم که این پول صرف آب میشود یا نمیشود نمیتوانیم بدهیم. برای اینکه در خود ماده صریحاً نوشته است برای کسر عایدات بلدیه. و اگر هم واقعاً برای آب آوردن باشد باید يك لایحه جدیدی بیاورند و يك تخمیلانی باهل طهران بکنند به تناسب تمول اشخاص آنوقت آب بیاید. و الا هر رائی که برای یکشاهی از پول این مملکت داده شود که صرف این مخارج بشود بعقیده بنده گناه وجدانی است.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) - تفاوت کارهای قانونی و طرحی که برای حل قضایا و مسائل مربوطه به مملکت در نظر گرفته شده است با ذکر کلیات و نوشتن مقالات و بالاخره مذاکره در اطراف منقبات فقط حرف است و عمل. تفاوت آن خیلی هم از هم دور نیست. بنده و آقای تقی زاده و خیلی از اشخاص در این مملکت خیلی از این بلاها و مصائب و بدبختی ملت و فقر توده و اینها را نوشتیم و تعقیب هم کردیم شاید از هزار تیر ما یکی هم به نشانه خورده باشد و یکی از این حرفها مؤثر شده باشد. لیکن آنهایی که وسیله عمل و شمشیر عمل در دست گرفته اند با ما که این حرفها را گفته ایم و نوشته ایم (باز تکرار میکنم که) تفاوتش تفاوت حرف است و عمل. بلکه بدست و دوسه سال است که این مملکت راه باز شده است که يك مسائل گفته شود نوشته شود ولی کی باید یا به دائره عمل گذارد؟ آزا باید خود آقای تقی زاده در خارج تصدیق بفرمایند. آقای تقی زاده البته فرمایشات خیلی صحیحی فرمودند و در پایان فرمایشاتشان خطاب ملت کردند قضاوت را از ملت خواستند و طوری هم فرمودند که میل نداشتند کسی بیاید اینجا جواب بدهد فرمودند اینها را من گفتم و حالا يك کسی میاید اینجا جواب میگوید. مثل اینکه ایشان مایل نبودند کسی جواب بدهد فوراً جلو جواب دادن ما را هم

گرفتند. ولی خوب بالاخره این حق قانون را که ایشان داشتند و استفاده کردند يك شخص دیگری هم حق دارد جواب بدهد و استفاده کند. راجع بصرافه جوئی که فرمودند باید صرفه جوئی کرد و باید دینار دینار را دقت کرد البته عقیده مقدس است و آقای فیروز آبادی هم که دارای این فکر هستند همه روزها در ضمن اوابح این اظهار خوب را کرده اند. و البته صرفه جوئی هم از صفات حسنه اشخاص است و بشر باید همیشه رعایت این نکته را بکند لکن يك فکر دیگری هست در مسائلی که مربوط باجماعات و مربوط بزندان اجتماعی است و آن این است که اگر از یکطرف ما بتوانیم بوسیله سعی و عمل عایدات را زیاد کنیم و از یکطرف مطابق آن عایدات خودمان خرج کنیم. این راه بهتر است اتخاذ کنیم یا اینکه از يك طرف فقط تمام اوقات خودمان را صرف صرفه جوئی کنیم؟ کدام يك از اینها بهتر است؟ این دو فکر در دنیای سابق اصطلاح داشته ولی حالا بعقیده بنده يك طرف آن اصل مسامی شده سابق بعضی ها قناعت را یکی از صفات خوب میدانستند و اشخاص قانع را عقیده شان این بود که باید ستایش کرد و شعرها داریم ادبیات در اطراف این قضیه داریم. ولی يك عده فعلا هستند که عقیده شان این است که باید در سابه سعی و عمل پیدا کرد و خرج کرد. حالا این مربوط بجامعه است. ما معتقدیم که باید جامعه در سابه سعی و عمل متمرک شود و خرج کنند.

فیروز آبادی - باید پیدا کرد و خرج کرد.

مخبر - اجازه بدهید. بنده هم عرض کردم باید پیدا کرد پیدا نکرد که عرض نکردم. در هر صورت آقای فیروزآبادی و آقای تقی زاده عجاله شق نان را اولی میدانند. میگویند باید در اطراف صرفه جوئی کار کنیم در ضمن فرمایشاتشان فرمودند يك مملکتی که وسایل اتومبیل رانی ندارد خیابان ندارد بهمان الاغ ها و شتر

ها قناعت کنند. ما دارای این عقیده نیستیم. ما عده هستیم که میگوئیم در مملکتی که وسیله اتومبیل رانی ندارد باید وسیله اش را تهیه کرد. اتومبیل هم برای آن تهیه کرد. کارخانه اتومبیل سازی هم ساختن برای هم تهیه کرد. خیابانها هم وسیع کرد. لاغرها هم باید گفت تشریف ببرید. این عقیده ما است. حالا يك عده میگویند باید ساخت با الاغ. فرمودند گوی گفته است خیابانها را خراب نکنند. وسیع بکنند که پولش را بدهند. بنده هم عرض میکنم هیچکس نگفته خدای هم مواعع در این کار موجود است. چندین هزار سال است که این مواعع موجود است در تمام دنیا هم موجود بوده بالاخره يك عده کثیری هم هستند که کثرت هم دارند میگویند ما باید در همان گودال های چاله میدان زندگی کنیم. ولی بالاخره تمدن بشری میگوید باید خیابانها را خراب کرد و باید راه باز کرد و خانه های کثیف را تبدیل به خانه های خوب کرد. اما قانون اساسی: بنده خیلی متأسفم که گاهی در مورد قانون اساسی تبعیضاتی مثلاً از اشخاص معین ظهور می کند. بنده نمیدانم کجای قانون اساسی خوب است و کجایش بد است؟

کازرونی - همه اش بد است.

شیروان - همه اش بد است؟ بسیار خوب بنده هم با شما موافقم. آقای دکتر مصدق يك جایی قانون اساسی را چسبیده اند ولی يك ماده دیگری را با آن شریعت مآنی که امروز اینجا اظهار کردند بکسال و نیم است وکالت دارند و هنوز قسم نخورده اند. مگر آقای قانون اساسی نگفته است شما قسم بخورید؟ بفرمایش آقای مدرس که در دوره سابق فرمودند شما الان وکیل ناقص هستید. برای اینکه ایشان عقیده داشتند هر کس قسم نخورد وکیل ناقص است. آن ماده را شما زیر پا گذاشته اید به خانه های خیابان چراغ برق چسبیده اید؟! آقای تقی زاده فرمودند اینجا پاریس نیست البته ما هم تصدیق



میکنیم که اینجا پاریس نیست. پارسال هم که روضه داشتیم در مجلس یکی از اهل منبر فریاد زد که اینجا پاریس نیست خیلی هم تصدیق کرد که وکلا همه مسلمان هستند و مبادی آداب. ولی همانطور که گفتیم البته روحاً نمیخواهیم پاریس بشود ولی طهران عیب دارد پاریس بشود؟ بنده میدانم این را آقای تقی زاده عیبی برای ملت شش هزار ساله میدانند که اینجا پاریس بشود. که او هم حق داشته باشد در يك فضائی مثل پاریس زندگی کند؟ و يك کلمه که آقای تقی زاده اینجا تکرار هم فرمودند مرور زمان و تدریج بود. این هم يك عقیده است که باز مخالف دارد در دنیا. يك عده معتقد هستند که ما باید آتیه خودمان را بدست قضا و قدر و مرور زمان و تدریج بدهیم. يك عده هم خلاف این عقیده را دارند میگویند خیلی سریع و تند وقوی باید کار کرد و قدم یکصد ساله را اگر ممکن است در يك روز برداشت. آنها بیکه عقیده شان يك قدری سرعت عمل است همانطور که اینجا گفته شد عده زیادشان پیرو عقیده آقای تقی زاده هستند برای اینکه ایشان به کرات گفته اند و نوشته اند که این مملکت با نصد سال عقب است. هر يك قدم تدریجی که ما بر میداریم در مقابل ما ملتی هستند که با نصد قدم بر میدارند خیلی سریع. آنها میروند جلو و ما با این قدمهای تدریجی با آنها نخواهیم رسید. ما معتقد هستیم اگر وسایل سرعت عمل در دست باشد باید قدمهای سریع برداشت و تدریج را هم بکلی ما مخالف هستیم. برای اینکه بتدریج ما به هیچ جا نخواهیم رسید. بلکه اگر يك کمی دیگر این قدمهای تدریجی ما تا سه چهار سال پیش ادامه پیدا کرده بود حالا در شکم آنها بیکه خیلی تند پیش میروند بلعبده شده بودیم ما میگوئیم خیلی باید سریع جلو رفت و رسید دنیا. آقای تقی زاده متأسفانه يك تناقضی در اظهارات امروزشان و عقیده سابقشان دیده شد. عبارتی که بابت خط استعلیق خیلی هم درشت و برجسته نوشته شده است

این است که: ایران باید ظاهراً باطناً روحاً جسماً فرنگی مآب بشود. امروز ایشان صریحاً برخلاف این عقیده اظهارات فرمودند. البته بنده تصدیق میکنم آنوقتی که آقای تقی زاده این کلمه را نوشته اند در یکی از آبانها در طبقه پنجم و ششم و در يك فضائی نشسته بودند و مینوشتمند که غیر از این چاره نداشتند ولی امروز در يك محیط و خانه زندگی میکنند که برخلاف این عقیده میتوانند جلو بروند. برای اینکه ایران هنوز حاضر نیست بخودی خود و بتدریج و در اثر مرور زمان خودش فرنگی مآب بشود. و ایشان هم البته چون وکیل طهران هستند و خط ایشان هم ملت بود ملت هم باید بشنود عقیده ایشان چیست. ولی ما در ده دوازده سال پیش چون خیلی جوان تر از ایشان بودیم این حرفها در ذهن ما چسبیده و فراموش نکرده ایم و معتقدیم که این مملکت باید فرنگی مآب بشود. آقای تقی زاده فرمودند موافقم با اینکه آب خوب به طهران بیاورند و آب طهران را يك کاری بکنند ولی این لایحه اینطور نیست. بنده بر میگردد بجملة اول عرض خودم. يك عده هستند که اهل عمل هستند. عمل چه جور است یکی از عملیات مربوط به وکیل است. وکیل دو جور میتواند عمل کند که مقصود آقای تقی زاده بعمل بیاید و این لایحه بدهم تصویب شود و آن این است که آقای تقی زاده عقیدشان این است که طهران باید آب خوب و روشنائی و چیزهای خوب و بالاخره معنویت باید داشته باشد. بالاخره تهیه آب پاک همانطور بیکه فرمودند و جلوگیری از مالاریا و سل از همین طرق است. این را هم تصدیق کردند منتها فرمودند يك لایحه بیاورند برای اینکه کار که مالیاتی وضع بشود و مردم پولی بدهند که اینکار درست بشود آقای تقی زاده باید یکی از این دوکار را کرده باشند یا تشریف برده باشند بادهت دولت که خودشان تصدیق دارند هیئت دولت عقیده بایشان دارند و در قضا با آرزو دارند که ایشان بکوقت بروند راهنائی در مسائل مملکتی

بکنند تشریف میبرند آنجا میفرمایند که عقیده من برای تهیه يك آب پاک برای شهر این است که يك همچو لایحه در تحت این مواد و این پروژه که نوشته ام دولت از روی این يك لایحه درست کند بعوض این لایحه که بلدیته آورده به مجلس بیاورند ما هم رأی بدهیم یکی از راه های دیگر عملی که بکقدری دورتر است این است که آقای تقی زاده نظریات خودشان را در تحت مواد و طرح قانونی برای تهیه آب پاک برای شهر طهران تهیه کنند و کلای طهران و وکلای سایر ولایات هم چون بنظریات صائب ایشان همیشه معتقد هستند طرح ایشان را باید امضا کنند و برود بکمسیون حلاجی بشود و بالاخره هم نظریات ایشان بعمل بیاید و هم طهران دارای آب بشود و این کار را نکردند و بعقیده بنده راهی که همیشه حرف است و هیچوقت مقرون بعمل نیست این است که هر چیزی که ممکنست در اطراف او تنقید کرد وقتی میآید و مطرح میشود در این مجلس فریاد تنقید و بد بختی مردم و فقر جامعه تمام در اطراف این قضیه مطرح میشود اینها حرف است. خودشان هم فرمودند اینها حرف است من هم بملت خطابم را کردم ولی رأی هم داده میشود و بنده عقیده ام اینست که حالا که آقای تقی زاده لا اقل آن دو مرحله عمل را اول کرده اند عاجلاً آقای مدرس و بعضی دیگر پیشنهادهایی تهیه کرده اند که خیلی هایش را هم بنده موافقم و ماده هم برای آن مقصودی که داریم گنگ است و برای اینکه بشود از این صد و بیست هزار تومان يك نفع عمومی مردم رساند باید ماده را طوری درست کرد که آن منفعت عاید مردم بشود لا اقل این مرحله عمل را آقای تقی زاده پیش بکشند که يك نفعی از این راه عاید مردم مردم بشود والا گفتن بنده و آقای تقی زاده هیچکدام فایده برای جامعه ندارد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی میل دارم که فرمایشات

آقای شیروانی را همه را حمل بر حقیقت کنم ولی دم میسوزد از اینکه آقای شیروانی در موضوعات تبعیض قائل است. در بعضی جاها خیلی جدي و سریع است مثل سرعت برق. اما در بعضی جاها بقدری کند است و ملاحظه میکند و موانع ایجاد میکند که بنده که یکی از رفقای ایشان هستم عاجز هستم. در این لایحه که آمده است سرعت برق میگویند باید بگذرد در صورتیکه خود آقا در کمسیون بودجه تشریف داشته اند. برای استحضار نمایندگان طهران مخصوصاً عرض می کنم الان پنج میلیون و نیم پول از خزانه مملکت به نان طهران داده شده ...

شیروانی -- کی کشف کرد این را؟ بنده کشف کردم آقا سید یعقوب -- خوب این را کمسیون بودجه کشف کرد. بنده و آقای شیروانی که وکیل ولایت هستیم باید ناظر باشیم در عوائد مملکت و خزانه مملکت را در نظر داشته باشیم. آقای تقی زاده میگویند در شهر طهران باید از خود اهالی پول گرفته و خرج طهران بشود. بنده هم همین را میگویم که آقای شیروانی شب که امسال مسافرت کردید رفتید تا سمیرم علیاً آن مردم گرسنه و برهنه را دیدید بچه وجدان و حقیقتی (که من شما را دارای وجدان میدانم) میآئید در این جا رأی میدهید که صد و بیست و پنجهزار تومان از خزانه عمومی مملکت که باید مصارف عمومی مملکت بشود مصارف تأسیسات مملکت بشود. به مصرف شهر برسد؟ نایب الحکومه شیراز آمده است در سمیرم شکم باره کرده است باید مصارف آنها کرد نه در طهران برای اینکه خیابانها تمیز و دارای چراغ باشد و گرد بلند نشود به کلاه و بقمه مان بنشینند اما تمام ولایات ایران با عمل شود. بنده و آقای تقی زاده این عقیده را داریم. بنده عرض میکنم که طهران پایتخت ایران است و بهترین شهرها است و باید با کیزه باشد اما کی باید مخارجش را بدهد؟ آنها میگویند که در سرحدات هستند؟ آنها بیکه در ولایات هستند؟! آنها میگویند که از

فشار و ظلم و جور حکام رفته اند در خارجه آنها باید ببینند این مصارف را بدهند؟! اینها مصارف شهری است صحبت ما تمام بر میگردد روی این مسئله چون اینها برای مصارف شهری است و باید اهل شهر بدهند خزانه مملکت نباید آنرا بدهد بنده کاملاً میدانم که این بلدیه قدمه‌های سریع بر میدارد اما بمن چه ربطی دارد که وکیل ولایات هستم مگر بنده و جنابعالی ضامن هستیم که چون کسی صحیح عمل میکند بیائیم پول از جای دیگر بگیریم و بدهیم خرج اینجا بکند. میگویند خراب کرده اند ما نباید بگوئیم خراب بکنند. بنده و جنابعالی که به قانون اساسی قسم خورده ایم باید اموال مرده را حفظ کنیم بدون اجازت و اطلاع ما چرا خراب می کنند؟! بدون نظریات بنده و جنابعالی که مسئولیت خدائی و خلقی و وجدانی داریم چرا اینکارها را میکنند همه اینکارها را میکنند آنوقت میگویند بیائید رای بدهید ما اینجا چراغ برق بکشیم! ای چراغ برق خوب است. مثل اینکه گفتند فلان کس از کرسنگی مرد گفت داشت و نخورد. آقا نداریم!! مملکت ندارد!! شما که فقر و پریشانی ولایات را. همه دیده اید!! ما پنج میلیون و نیم الان روی ارزاق گذاشته ایم باز هم الان یکی یکی این صورتنی را که دیده اید میآورند خرج طهران کنیم!! یکی از این مخارج هفتاد و پنج هزار تومان خرج سد شیراز است و هفتاد و پنج پارچه ده آنجا بکلی ویران شده و تمام اهالی آن متفرق شده اند چرا دولت آنرا تعقیب نمیکند؟ چرا آنرا پیشنهاد نمیکند؟ چرا نمیآید این حرفها را بشنود؟ چرا در میروند؟ باید حرفهای وکلای ولایات را بشنود. مخالفت ما از این نقطه نظر است و الا بنده خیلی مایل هستم که آبهای شهر لوله کشیده شود اما نه از پول قشقه‌ها از پول طهرانها خرج کنند نه از پول بوشهر که آب طهران بک بشود و طهرانها بخورند! بنده هیچوقت انصاف اجازه نمیدهد. زاعی که آقای تقی زاده بیان

کردند بنده هم تعقیب دارم سر این مسئله است. بنده و آقای تقی زاده و جنابعالی بک جماعتی بودیم که در اول لیرال میگفتند یعنی آزاد بخوانان سریع. اما بیک طوری که این طفل یکشنبه رده صد ساله بخواد برود. هرگز نخواهد رفت. زمین میخورد این طفل باید مطابق مقتضیات مملکت حرکت کند باید قدم به قدم برود. باین نندی که میروید چنان زمین میخورید که قلمتان خرد شود و دیگر نتوانید بر خیزید.

معتضد استرآبادی - انشاء الله

شیروانی - مزخرف نکو.

آقا سید یعقوب - باید مقتضیات و حالات را رعایت کرد. بنده هم معتقدم که اموال مردم محترم است. اموال مردم را نباید درش تصرف کرد. بدون اجازه آنها نمیشود تصرف کرد وقتی تصرف و مداخله کردند بنده و جنابعالی مسئول هستیم. بعد از آنکه این مملکت مشروطه شد باید کارهای ما مطابق اصول مشروطیت باشد. باید تمام کارها از مجلس شورای ملی بگذرد و بیک کارهائی را که از مجلس نمیگذرد ما نباید رأی بدهیم ناآنکه سابقه تجری آنها بشود. پس مخالفت بنده از این جهت است که این مصرف محل خرجش از خزانه مملکت و عواید عمومی است عواید عمومی باید مصارف عمومی بشود. مصارف عمومی هم آن است که در بودجه مملکتی است نه در بودجه ادارات. در این موضوع دولت بیاید پیشنهاد کند در لایحه مخصوصی برای خانه هائی که در طهران خراب شده است بنده هم که بک نفر طهران نیستم حاضر هستم که خیابانهایشان را درست کنند. اصل مسئله بر میگردد روی این که عواید عمومی نباید در شهر خصوصی خرج کرد. شما میخواهید در شهر خصوصی خرج کنید آن وقت از بک محل و از بک جای دیگر اعتبار بدهید؟!

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده در این مخالفت هائی که راجع بلاجه

بلدیه شد فقط دو ابراد صحیح دادم. یعنی دو ایرادی که قابل جواب دادن است و مابقی دیگر به حاشیه و بک مخالفتهای بی اساس بیشتر شبیه بود تا بمخالفات صحیح بک ایرادش این است که این پولی که خرج طهران میشود چرا باید از بودجه عمومی بر دارند. علتش این است که بلدیه عایدی خصوصی ندارد. شد. حق وضع مالیات قائل نشده اید. حتی در این قانون بلدیه که الان مطرح است بک ماده است که اعضای آنها مخالفت میکنند که بلدیه نتواند عوایدی برای خودش وضع کند پس ناچارند که تمام بلدیه ها از بودجه کل مملکتی بر دارند.

اگر از بودجه کل مملکتی بر ندارد از کجا بر دارد؟ شما که حق وضع عوارض برای او قائل نیستید از کجا بگیرد؟ بکی دیگر اعتراضی بود که آقای دکتر مصدق کردند که حرف صحیحی است و آن این است که گفتند ما میل نداریم به کسر بلدیه داده شود و میخواهیم بمصرف آب طهران و ساختمان برسند. این حرف صحیح است. این را هم آقای مدرس و آقای دبیا و شاید بک عده دیگر هم پیشنهاد کرده اند که این پول بمصرف آوردن آب طهران و جبران خساراتی که بمردم واقع شده است برسد. دو اطراف خراب کردن خیابانها بک صحبت هائی شد که حقیقه اگر بنده در مجلس نبودم و می شنیدم که آقای تقی زاده این مذاکرات را فرموده اند باور نمی کردم. بالاخره آقا: تمدن و رفی یعنی چه؟ یعنی اقتباس علوم و صنایع و انظمه و تمام اصول زندگانی صحیح که مطابق عقل باشد. این چندین رشته دارد. بک رشته در معارف است. بک رشته در صحیه است. بک رشته در بلدیه است. از بلدیه شما متوقعید که مثلاً معارف مملکت را درست بکند؟! یا زراعت و فلاحت مملکت را رونق بدهد؟! تمام رشته های مملکت باید متساویا و متوازنا پیشرفت کنند. بلدیه باید در حدود اختیارات خودش اصلاحاتی بکند. وزارت معارف در حدود اختیارات خودش.

وزارت فلاحت و تجارت در حدود اختیارات خودش و بالاخره تمام وزارتخانهها در حدود اختیارات خودشان باید اصلاحات کنند. ولی اگر اصلاحات بکی از دو اثر پیش آمد ما نباید بگوئیم چون آن دائره اصلاح نشده است اینهم نباید بشود. بک بلدیه که بخواد در شهری اصلاحات بکند اصلاحاتش چیست؟ اصلاحات آن بکی راجع بصحیه است. بکی راجع بمنظیف و تنویر شهر و از این قبیل چیزها است. راجع بمسئله معارف عمومی است غیر از این که اصلاحات ندارد. مثلاً معتقد بودند که بلدیه معجز کند برایشان؟! وظیفه بلدیه اینها است. حالا که ما صحیه را اینقدر اهمیت می دهیم بعقیده بنده بواسطه بدی خیابان و بدی آب طهران صحیه طهران خراب است. طهران آب بقدر کافی ندارد. هر سال که آب بک قدری نقصان پیدا میکند اهالی دچار زحمت میشوند حالا فرض کنید امسال زمستان برف نیاید سال آینده چه خواهد شد؟ با این بی آبی سال ۱۳۰۶ اگر سنه ۱۳۰۷ هم باران و برف نیاید چه خواهد شد؟

مدرس - باید هجرت کنند

دشتی - عرض کنم بنده خودم باریس بلدیه مکر در باب آب طهران و همچنین راجع بروشنائی شهر صحبت کرده ام. رئیس بلدیه معتقد بود که باید این قانونی که الان در اطراف شهر موجود است اینها را در مقابل قصر تمرکز داد و بعد در آنجا (اگو) برایش بسازند برای تهیه برق و از برای این کار هم تقریباً چهار پنج ماه است مهندسین خودشان را فرستاده اند و مطالعات کافی برای این کار کرده اند حتی نقشه شان را بالمان فرستاده اند و اصلاح هم کرده اند و قریب چهار صد هزار تومان بر آورد کرده اند که خرجش است و منافعش را تقویم کرده اند که اگر چراغ را تا صبح بسوزانند و صد دینار بدهند در سال اول تمام مخارج را مستهلك میکنند و بعد از اینکه این مخارج را مستهلك کرد آنوقت بلدیه میتواند از عواید بعدش

آب شهر را لوله کشی بکنند و آب شهر را از این کشتافان که امروز دچار هستیم محفوظ بدارد پس اگر ما قائل بتدریج هم بشویم بالاخره آن قدم اولی که مرحله اول تدریج است باید برداشته شود یا نه؟ ما بنشینیم سر جامان از آسمان که کسی نمی آید این کارها را درست کند ما باید خودمان کار کنیم (لیس للانسان الا معنی) یکی از قدمهای اولی آوردن آب است بطهران و بنده غریب میدانم که وکلای طهران با آوردن آب بطهران مخالفت کنند بالاخره اگر مخالفت با ازدیاد بودجه یعنی خرج زائد ادارات دولتی بکنند بنده هم موافقت میکنم و حرف صحیحی است که نباید پول مملکت صرف پشت میز نشین ها بشود ولی با پولیکه صرف بکمقدار از حوائج مملکت میشود چرا مخالفت میکنید؟! بک فکر مسموم در مجلس پیدا شده است و آن صحبت مرکز است، ولایات بروید تمام جاهای دنیا را ملاحظه بفرمائید به بینید هیچ جای دنیا اینطور نیست. اگر که نسبت بولایات بک اجحافی بشود البته باید از آن جلوگیری کرد. اگر بک ظلم یا قصوری نسبت به آنجاها بشود باید جلوگیری کرد، اما ما نباید قائل شویم به اینکه مرکز ما یعنی پایتخت ما مرکز کشتاف باشد. این مسئله حتی در خود ولایات هم اینطور است مثلاً شهر تبریز از سایر شهرهای آذربایجان بهتر است. شیراز از سایر شهرهای فارس بهتر است. این امر طبیعی است. شما ر ضد طبیعت نمیتوانید اقدام بکنید. مرکز هر ناحیه و مرکز هر مملکتی بالطبع باید بهتر از سایر جاها باشد. عرض کنم در قسمت خرابی خیابانها می فرمایند کی گفته است خیابانها را خراب کنند. بنده عرض میکنم احتیاج گفته است. بنده وجدان آقایان را شاهد میگیرم کدام بک از شما ها وقتی از خیابان چراغ برق میگذشتید احساس نکرده اید که خیابان تنگ است؟ این چیز محسوس طبیعی است. بعقیده بنده ده سال هم هست در شده. بک خیابان که هشت ذرع عرض دارد

و تمام کامیونها و برکش ها و دو چرخه ها و چهارچرخه ها و الاغ و واگون از آنجا میگذرد این دیگر قابل عبور و مرور نیست ما هر سال از این راه مبالغی تلفات داریم. میفرمایند کی گفته که اتومبیل بیاورند! بنده که نگفتم اتومبیل بیاورند مجلس که بیاورده است. مردم خودشان اتومبیل میآورند. اقتباس تمدن مربوط به اراده بنده و شما نیست. خیابانها که بمضیقه انداخته اند حالا چه کنیم؟ بک طرحی شما تهیه و پیشنهاد کنید که کسی حق نداشته باشد اتومبیل وارد این مملکت کند. ولی راه عملی این نیست که کی گفت اتومبیل وارد این مملکت بشود. بک طرح قانونی پیشنهاد کنید و تمام وکلاء هم امضا کنند که بک اتومبیل از سرحد وارد مملکت نشود. این طرز عملی است. حالا این نظریه صلاح یا غلط است کار ندارم ولی راه عملی این است و بالاخره بعقیده بنده لایحه فعلی یکی از لواج خوبست برای اینکه تماس دارد با حوائج ضروری مملکت و عرض کردم فقط دو ایراد است که صحیح است یکی اینکه چرا از بودجه عمومی میدهند که عرض کردم بلدی به بودجه ندارد البته وقتی که قانون بلدی گذشت و توانستند عوارضی برای بلدیها معین کنند آنوقت حق این حرف را دارند. یکی دیگر اینکه چرا این پول صرف کسر عایدات بلدی به بشود. این را ممکن است با پیشنهاد آقای مدرس و سایر آقایان اصلاح کنند که فقط صرف آب آوردن به شهر و صرف مخارج ساختمان خیابانهای شهر بشود مخیر. عرض کنم نماینده محترم آقای آقا سید یعقوب در ضمن فرمایشاتشان (نمیدانم چه عرض کنم) با خواستند حمله به عقائد بنده بکنند یا اینکه عریض بنده را تحریف کنند. ایشان گفتند فلانکس بکوقت خیلی تند میرود و بکوقت می آید اینجا میگوید باید این لایحه بهمینطور بگذرد، بنده اینطور عرض نکردم بنده عرض کردم عمل با حرف فرق دارد. آقای آقا سید

یعقوب وجدانا خودشان یکی از شهودی خواهند بود که بنده یکی از کسانی بودم که راجع به بودجه ارزاق ده ماه عمر صرف کردم تا اینکه کشف کردم که پنج میلیون و نیم پول این مملکت را خرج طهران هم نکرده اند و برده اند و خورده اند و بین خودشان تقسیم کرده اند. بنده عمر صرف کرده، شبها نشستم، اسناد جمع آوری کردم، ارقام دادم، تحقیقات کردم، و بالاخره کشف کردم که پنج میلیون و نیم پول این مملکت را برده اند و بین خودشان تقسیم کرده اند بعقیده بنده اینکار است. بنده این کار را کرده ام و باز هم میکنم این عقیده را هم دارم که باید جلوی این خرج ها را گرفت. گفته میشود که صد و بیست و پنج هزار تومان خرج آب، چراغ و ساختمان طهران میشود. اولاً اگر ملتفت شده باشید بنده در پشت همین زیور نه تعریف از کسی کردم و نه تمجید. نه گفتم فلان خرج باید بشود یا نشود. بک فرمایشات کلی آقای تقی زاده فرمودند و لازم بود بک جواب های کلی ایشان داده شود و معتقدم که باید بودجه این مملکت طوری نوشته شود که بمصرف صحیح و عمومی برسد مخصوصاً در مسائل مربوطه بلدی به

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرون - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم بنده بیشتر مایل بودم که این لایحه بدون مذاکره بگذرد و بعضی حرفها زده نشود لکن جواب هائی که در مقابل مخالفین داده شد و اظهاراتی که مخالفین کردند اگر حالا درست مطلب روشن نشود. و جواب مقنع داده نشود بیشتر مسئله شبیه بهرج و مرج میشود. بکجواب قانونی به مخالفین داده نشده است. این جوابهایی که داده شده پشت باقانون اساسی و قوانین عمومی مملکت زده است. بنا بر این ما باید بیشتر مذاکره کنیم تا در ضمن مذاکرات بک راه حلی برای جواب

دادن بمخالفین پیدا کنیم که تصادف و تصادم باقانون اساسی که دیروز اینجا قسم خورده ایم که او را حفظ کنیم نمایم این است عقیده بنده

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه

مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عمادی موافقتند؟

عمادی - بلی

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی مخالفید؟

حاج میرزا مرتضی - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بنده درست در خاطر دارم در

پشت همین زیور آقای شیروان میفرمودند که این

اتومبیل سواری در این مملکت چندی طول نخواهد

کشید که ثروت ایران را بر باد خواهد داد و چیزی

برای هیچ کس باقی نخواهد گذاشت حالا آقای شیروان

میفرمایند خیلی باید تند و سریع حرکت کرد. باید

اتومبیل سوار شد و کوچه و خیابانها را گشاد کرد و

خانه های مردم را خراب نمود. و مالیات که باچه

زحمت و از چه اشخص حقیر که با نان جو و علف

بیابان گذران میکنند بگیرند و بیاورند در طهران و برای

بک عده اشخاص که اینها پول دارند و با پول خودشان

اتومبیل میخرند بامقت رایشان میرسد خیابانها را وسیع

کنند برای اینکه اتومبیل آقایان تند حرکت کند و

تفریح کنند. کدام انصاف و مروت حکم میکند که از

بک اشخاص بد بخت پول بگیرند و خرج تفنن و تفریح

بکعده اشخاص در طهران بکنند؟ بنده نمیگویم خیابانها

را وسیع نکنند. مطابق قانون اساسی خانه ها و دکان

مردم را بخرند و آنوقت خراب کنند. علاوه از پول

آن اشخاصی که میخواهند اتومبیل سوار بشوند بک

مالیاتی قرار بدهند. آنها همی که میخواهند تفریح بکنند

و زندگان لوکس و اعیانی داشته باشند مالیاتی بدهند برای اینکه خیابانهای طهران را تسطیح بکنند و تقدیم آقایان نمایند که سوار اتومبیل شوند و در خیابانها حرکت کنند نه اینکه بروند از مازندران و شیراز و سایر جاهای دیگر از يك بدبختهای فقیر بیچاره مالیات بگیرند و بیاورند این جا خرج تفریح و تفنن يك عده اشخاص معدود بکنند. بنده بکنفر نماینده کرمان هستم و بنام اهالی کرمان عرض می کنم هیچ وقت روح هیچ يك از موکلین من رضایت ندارد و راضی نیستند که پول از آنها بگیرند و خرج این کار بکنند. چرا؟ برای چه؟ آقایانیکه میخواهند اتومبیل سوار شوند خودشان پول دارند می توانند بدهند و خیابانهای شهر را بسازند و درست کنند تا اینکه اتومبیل سوار شوند و تفریح بکنند. اما برای آوردن آب: اگر خشک سالی بشود البته همان رودخانه جاجرود هم که میخواهند از آنجا آب بشهر بیاورند بقدر کفایت آب ندارد. می فرمایند باید اهل این شهر منتظر بشوند که بارندگی بشود و برف بیاید تا آب داشته باشیم. در همه جا همین طور است. در هر کجا هر وقت بارندگی نشد رودخانه کم میشود چشمه کم میشود ولی این مربوط به بن نیست که پول يك جائی را بیاورند خرج يك جای دیگر بکنند آن هم برای اشخاص معدودی. يك مالیاتی وضع کنید که بلديه همان نقطه بگیرد و خرج کند. بلديه کرمان در ماه چهار صد تومان بود چه دارد. ماهی چهار صد تومان بکجای يك بلديه ایالتی میرسد؟ آنوقت پول آنجا را بیاورند و خرج بلديه طهران بکنند برای اینکه اهالی اینجا عزیز بلاجهتند؟ جهش چیست؟ در شیراز را از خودش بگیرند. در کرمان را از خودش بگیرند. طهران را هم از خودش بگیرند و خرج کنند. پول عمومی مملکت را باید صرف حوائج عمومی مملکت بکنند نه اینکه پول يك نقطه را صرف يك نقطه دیگر بکنند بنده عقیده ام این است که این لایحه را بر گردانند و

يك لایحه بجای آن تهیه کنند و يك مالیاتی وضع کنند و در هر شهری که میخواهند آنرا آباد کنند اهالی آن شهر آن مالیات را بدهند نه اینکه جای دیگر پول بدهند و خرج اینجا کنند.

مخبر - عرض کنم مکرراتی را که نماینده محترم این جا فرمودند این بود که بالاخره چند تا فحش به اتومبیل دادند و نسبی هم بینده دادند که گفتم خانهای مردم را خراب کنند و بالاخره فرمودند پولی که از ولایات می آید خرج طهران نکنند. اما راجع به اتومبیل البته جامعه چند سال پیش قضاوت کرده است که آقایان چقدر از اتومبیل بدشان می آید و اما راجع برعیت بدبخت کرمان. آن را هم بنده تصور میکنم که آن اندازه ها اگر این قانون هم نگذرد از زیر بعضی فشارها که جزئیاتش مربوط بدولت است راحت نخواهند شد و برای آنها باید فکر دیگری کرد و يك فکر اساسی لازم است اما اینکه فرمودند اگر بدان نیاید همه جا خشک میشود و رودخانه جاجرود هم می خشکد. این را بنده جداً تردید میکنم زیرا الان که شهر طهران دچار خشکی است هزارها سنگ آب توی رودخانه جاجرود میرود و بالاخره میریزد به کویر و این آب را میشود آورد بطهران و مردم طهران را مشروب کرد و این حرفها هم تقریباً کهنه شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافست.

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - باز هم عرض میکنم که اگر لایحه همین شکل بگذرد و در اثر همین مخالفتها و جوابهایی که بمنزله آقایان مشروطیت است ...

بعضی از نمایندگان - ( بطور همهمه ) اینطور نیست ( صدای زنگ رئیس )

رئیس - بطور اختصار بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم بایستی در مقابل قانون

اساسی و قوانین عمومی مملکت يك جوابها با يك دلائل قوی در حدود همان قوانین داده شود و اگر چنانچه همین حرفهای متفرقه که هیچ ناسی بقانون پیدا نمیکند رأی داده شود همانطور است که عرض کردم لهذا عقیده بنده این است که باید مذاکرات زیاد تر بشود تا در ضمن مذاکرات جوابهای حساسی داده شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود ...

دکتر مصدق - بنده توضیح نظامنامه دارم

رئیس - راجع به چیز؟

دکتر مصدق - راجع بفرمایشانی که نماینده محترم فرمودند.

رئیس - گفته شد مذاکرات کافی است

دکتر مصدق - بلی ولی توضیح نظامنامه ایست

رئیس - بعد از خواندن پیشنهادها بفرمائید

( پیشنهادها بشرح ذیل خوانده شد )

پیشنهاد میخانم تبصره ذیل ماده واحده علاوه شود:

تبصره - مبلغ کافی از وجه مزبور برای آوردن آب به

شهر طهران و تعمیر و قیمت مستغلات خیابان چراغ برق

صرف خواهد شد. ( دبیا )

پیشنهاد میکنم ماده واحده بترتیب ذیل نوشته شود:

وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵

مبلغ ۱۲۵ هزار تومان برای آوردن آب به طهران و

جبران خسارت و ضرر املاک و دکاکن که خراب شده

و میشود جهة مصالح بلديه به بلديه طهران اعتبار بدهند

مدرس

اینجانب پیشنهاد میکنم که بجای کسر عایدات بلديه

نوشته شود برای اداء قیمت انبیه که بلديه برای

توسعه خیابانها خریداری مینماید و مقومینیکه بتراضی

خریدار و فروشنده تعیین میشوند قیمت را تعیین کرده باشند و برای حفر مجرای آب از رودخانه جاجرود بطهران علی حقنویس ماده واحده را بقرار ذیل اصلاح کرده پیشنهاد مینماید:

وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵

مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان برای ساختمان

خیابان چراغ برق و قیمت املاک مردم و خرج آوردن

آب به بلديه بپردازد حاج شیخ بیات

رئیس - آقای دبیا

دبیا - چنانچه مذاکره شد مقصود از این لایحه

اولاً آوردن آب بشهر طهران بود و بعد هم دادن پول

بصاحبان مستغلاتی که در خیابان چراغ برق خراب شده

که حقیقه هم مالکین بلا تکلیفند و هم مستأجرین و

البته از ناحیه مجلس باید هر چه زودتر و سریعتر يك

تکلیفی برای آنها معین شود و چون ماده خیلی محمل

بود بنده این پیشنهاد را عرض کردم و این پیشنهادی که

آقای مدرس فرمودند ظاهراً مقصود بنده را تأمین میکنند

همان را قبول میکنم

رئیس - آقای دادگر پیشنهاد کرده اند که قبلاً به پیشنهاد

آقای مدرس رأی گرفته شود ولی يك پیشنهادی مال

آقای فیروز آبادی است که مطابق نظامنامه مقدم است

يك پیشنهاد دیگری هست که آن مقدم تر است که

آقای تقی زاده پیشنهاد کرده اند که این لایحه از

دستور خارج شود. آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده میل داشتم که پیشنهاد بنده خوانده

شود ...

رئیس - بخوانید

تقی زاده - ولی حالا خودم موضوع را می گویم.

بنده پیشنهاد کرده ام که این لایحه از دستور خارج شود

و وزارت داخله لایحه برای پیدا کردن محل عایدات از

خود شهر بمجلس پیشنهاد کند و تخصیص بدهد با آوردن

آب به شهر و بنده ناچارم يك كلمه براي توضیح مطلب خودم عرض کنم زیرا مقضی نمیدانم که این لایحه باین صورت بیاید. علاوه بر آنچه که آقایان فرمودند مطابق قوانین اساسی مملکت ترتیب همین است که پول این مملکت را نمیشود به مصرف يك شهر مخصوص رساند بلکه باید از خود شهر پیدا کرد و در آنچه که ما این جا بیان کردیم مطلب درست واضح نشد، یعنی بعضی از آقایان که بعد فرمایشان کردند سوء تعبیر کردند و مخصوصاً خیلی اسباب تأسف است که در این اواخر از چند سال باینطرف حرف زدن از بیچارگی مردم بگشوع گشاهی شده اگر بگوئی...

رئیس -- آقا راجع به خروج از دستور صحبت کنید.

تقی زاده -- بلی راجع به خروج از دستور است عرض می کنم. وقتی لازم نمی دانم از عایدات مملکت صرف شهر بشود باید توضیحش را عرض کنم وقتی که این لایحه از دستور خارج شد و بآن ترتیبی که بنده پیشنهاد کردم آمد آنوقت این مسئله پیش نمی آید یعنی محلی از عایدات خود شهر پیدا میشود و لازم نمی شود که عایدات مملکتی را صرف اینکار کرد و در توضیح همین میخواهم عرض کنم: آقایان میفرمایند که ما مدعی هستیم با اتومبیل. ما اول کسی هستیم که میل داریم در شوارع مملکتی اتومبیل حرکت کند ولی میگوئیم که خرج اتومبیل در شهر را نباید مملکت بدهد و برای رفع این سوء تعبیر و سوء تفسیر ها که پیش میآید باید يك وقتی پیدا کرد و آنها را گفت و حالا که راجع بخروج از دستور نمیشود گفت لهذا بنده توضیحات خودم را میگذارم برای وقت دیگر و عجلایه عرض میکنم وقتیکه مخالفین و موافقین هم تصدیق کردند که پول مملکت را نمیشود صرف اصلاحات شهری و صرف اصلاحات تجملی کرد لهذا بنده پیشنهاد کردم از دستور خارج شود و بآن ترتیبی که عرض کردم

وزارت داخله بیاورد

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض میکنم که آقای دشتی به بنده نصیحت میگردند که با خروج از دستور مخالفت نکن. تنفس و ختم جلسه و خروج از دستور يك بحث طبیعی دارد و بالاخره وقتی که انسان طرف مقابل تنبلی را میخواهد بگیرد غالباً مغلوب میشود. عرض کنم همانطوری که عرض کردم يك لایحه می آید و درش بحث میشود، اشخاص مهیبا میشوند. مجوز میشوند و بالاخره عقیده گفته میشود پس از آنکه همه این تهیوها پیدا شد آنوقت برود بیرون بنده بنوبه خودم معتقدم این طرز تضييع وقت مجلس است. بعلاوه خیابان چراغ برق مگر تفنن گاه است؟ بنده در تمام عمرم بکنفر متفنن در خیابان چراغ برق ندیده ام. بلکه آنجا محل عبور است و اگر راجع به لاله زار میفرمودید باز حرفی بود. بنده میخواهم توجه آقای تقی زاده را جلب کنم نسبت بان تل خاك که در آنجا رو بهم ریخته و مردم زندگانشان خراب شده و حالا بقول آقا بر فرض هم که مجاز نبوده اند ولی عملی واقع شده و مردم در مضيقه هستند و پولشان را میخواهند و فشار آورده اند حالا چرا ما این کار را تمام نکنیم و بگذاریم برای يك وقت دیگری؟ بنظر بنده (انکار نمیکم که بعضی صحبت ها گفتنش در مجلس ضرور است) ولی بالاخره در این مورد بخصوص که واقع شده بنظر بنده تضييع عمر است برای آن اشخاصی که در این خصوص صحبت میکنند و وقت خودشان را تلف میکنند

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای تقی زاده یعنی خروج از دستور آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی (تضمنون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در عوض يكصد و بیست و پنج

هزار تومان نوشته شود. پنجاه هزار تومان

رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی -- بنده و همه آقایان آرزویمان این است که انشاء الله مملکت ما آباد شود و خیابان ما هم روشن شود و بنا کیزه باشد. هر کسی بشر است این آرزو را دارد. اما در مقابل این آرزو و چیز های دیگر ما آرزوهای دیگری داریم که اهمیتش زیاد تر است که اگر بآن آرزوها برسیم این آرزوی ما قطعاً بپایان خواهد رسید و آن آرزوی ما این است که در این مملکت يك قسمی شود که اول پول در آورد و بعد خرج کرد نه اینکه اول برویم به قرض و مفلوبك کردن مردم يك پولی در آوریم و خرج کنیم. وقتی مردم فقیر و بی چیز شدند مالیات و گمرکات ما زمین خواهد خورد و چیزی باقی نخواهد ماند. بنده این چیزها را وقتی بنظر می آورم می بینم که این خرج ها ابتداءً بجهت ما زود است و ما باید این آرزوهای خودمان را بگذاریم برای وقتی که پول از منابع ثروت طبیعی خودمان که داریم و لیاقت اظهار و بروز آن را نداریم پیدا کنیم. البته بعد از این که پول پیدا کردیم آنوقت زباده از این ها خرج میکنیم ولی بر هیچيك از ماها مستور و پوشیده نیست که ماها هیچ چیز نداریم و هر کسی بگوید چیزی داریم اشتباه کاری میخواهد بکنند بلکه چیزی که ما داریم معادن خیلی خوب داریم. یکی نفت است که بقدر تمام دنیا ارزش دارد. اما افسوس که ابراز لیاقت برای استخراج آن نمیکنیم و چقدر اشخاص و نجار ایرانی امتیاز يك چاه میخواهند و بهشان نمیدهیم و هزار اشکال تراشی میکنیم و بنده باین ملاحظات با این خرجها مخالفم. از آنطرف هم چاره ندارم و اگر بگویم هیچ فایده ندارد. بن است که پیشنهاد کردم پنجاه هزار تومان از این صدو بیست و پنجاه هزار تومان بجهت مخارج ضروری این کار برداشت کنند و آن هفتاد و پنج هزار تومان دیگرش

را ترجمه باین مملکت بکنند و بگذارند یا از مردم گرفته نشود یا اگر گرفته میشود بمصرف کار های عام المنفعه برسد

رئیس -- آقای بیات

مرضی قلیخان بیات -- آقای فیروز آبادی خودشان در قسمت اول تصدیق فرمودند که این قضیه يك قضیه است لازم و بنده هم گمان میکنم اگر درست دقت فرمایند تصدیق خواهند فرمود که این مسئله جزء احتیاجات شهر است. اولاً در قسمت آب هم تصور کرد که ظاهر شد امسال حقیقه بقدری مرده در فشار بودند که اگر وجود مالیات مملکتی هم صرف میشد هیچ ضرری نمی بخشید بلکه طرف استفاده بود و ما قسمت رده که آقایان اظهار فرمودند خرجی است برای اتومبیل و بندها بعقیده بنده برعکس است بجهت اینکه آن سبیل سوار اتومبیل است از خیابان عبور میکند و این يك خرجی است برای فقرا و الا آن کسی که توی اتومبیل است از خیابان عبور میکند ولی آن شخصی که توی خیابان پیاده عبور میکند طرف صدمه و حمله وقع میشود. اگر معتقدند که اتومبیل از میان برداشته شود باید يك قانونی بگذاریم که هیچکس در این شهر سوار اتومبیل نشود و راه را هم هر طور که هست بحال خودش بگذاریم و الا وقتی اتومبیل آمد در این مملکت مردم سوار شدند و زندگانشان يك قدم جلو رفت دو مرتبه نمیشود برگرداند و وقتی اتومبیل سوار شدند دو مرتبه با شتر و خر و اسب نمیشود مسافرت کرد و بعقیده بنده این قسمت اشتباه است. آن کسیکه سوار اتومبیل است عبور میکند ولی مردمی که در خیابان هستند دچار صدمه میشوند و زیر اتومبیل میروند و سر دستشان میشکند و از برای آنها اسباب زحمت است نه برای اتومبیل دارها و این در حقیقت برای فقرا است که از شر اتومبیل راحت شوند بلکه اگر ما معتقد شویم که اتومبیل سوار نشوند البته نباید خیابانها را وسیع

کرد و در قسمت وجهش هم که آقای فیروز آبادی فرمودند بعقیده بنده این يك تخمیل جدیدی بر مردم نیست بلکه اضافه عایدی است که از سنه گذشته مانده و عجاله نمی خواهیم از کسی چیزی بگیریم. آن اضافه عایدی را میخواهند بيك مصرف ضروری برسانند و بعقیده بنده این خرج هم از یکی از خرجهای است که کاملاً ضرورت دارد و وقتی که لزومش را معتقد شدیم اضافه عایدی هم داشتیم دیگر بعقیده بنده کم کردنش را آقای فیروز آبادی بی لطفی کردند.

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده مختصری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگری داده اند که شصت هزار تومان باشد

(پیشنهاد مزبور بنحو ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در عوض ۱۲۵ هزار تومان نوشته شود شصت هزار تومان که تخصیص داده شود به املاکی که جهت توسعه خیابانها خرید شده یا میشود.

رئیس -- خوبست مطابق نظامنامه مختصراً توضیح بدهید.

فیروز آبادی -- بله چشم -- امیدوارم همه این مراعات را بکنند بنده هم اولیش هستم. این که بنده شصت هزار تومان پیشنهاد کردم برای این خانهای بود که خریده شده یا میخواهند ضرورت دارد و این را تخصیص بدهند. این قسمت -- که خیابانها را توسعه بدهند و اینکه صاحبان انومبیل میگویند این برای مراعات حال فقرا است بنده عرض میکنم همینقدر سفارش کنند به شوفرهایشان که يك قدری یواش تر انومبیل را برند رعایت حال فقرا شده است ولی آنها میخواهند در ظرف ده دقیقه تمام طهران را سیر کنند. حالا نمی دانم به چه مقصد و خیالی هستند و چون این آرزو را دارند مردم را هم زیر انومبیل

میگیرند اگر يك دفعه سفارش کنند این طور نمیشود و این شصت هزار تومان هم يك قدرش برای کنند تونل است و آوردن آب رودخانه جاجرود اولاً عرض میکنم که آب رودخانه جاجرود در سالهایی که مثل امسال خشکسالی است آبش خیلی کم است و آقایان هیچ اطلاع ندارند. بنده اطلاع دارم که آب رودخانه جاجرود بقدری کم است که زراعتهای ورامین خشک شده است و ثانیاً اگر آمدیم مثل همچو سالی آب رودخانه جاجرود را آوردیم به طهران آنوقت پس دهات ورامین که میخواهند از آنجا مشروب شوند چه بکنند؟ ما می خواهیم صد هزار ده را خراب کنیم برای اینکه از سیر آب فواره های حوضهای شهر طهران زیادتر ببرد. باین جهت بنده این شصت هزار تومان را بجهت این مخارج کافی میدانم.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان ایلیخان -- عرض کنم يك مطلبی است که آقایان تقریباً اشتباه فرموده اند و آن این است که خیابان چراغ برق مربوط بعبور و مرور تنها مردم شهر نیست تمام مسافرین باید از خیابان چراغ برق وارد طهران بشوند. اگر تمام این مسافرین بیرون دروازه شهر پیاده میشدند بنده هم عرض نداشتم ولی تمام مسافرین باید از این خیابان عبور کنند و کاراها همه توی شهر است و خیابان چراغ برق تنها منحصر بعبور و مرور اهل شهر نیست بلکه علاوه بر اهالی شهر مسافرین حضرت عبدالعظیم و تمام خطوط جنوب باید از این جا عبور کنند و اما راجع به آب جاجرود آقا فرمودند شصت هزار تومان کافی است. بنده عرض میکنم که این مسئله عملی نیست بلکه شنیده میشود که هشتاد هزار تومان الی نود هزار تومان خرج دارد که از بالا مجرائی درست کنند و بقدر سی سنک الی پنجاه سنک از آن آب را بشهر بیاورند. علاوه مبلغی هم باید برای دکاکینی که در خیابان چراغ

برق خراب شده داده شود و این مبلغی که آقا پیشنهاد فرموده اند برای همان آب تنها کافی نیست مگر اینکه آب را بیاورند ناسرگردانه و از آنجا باز بر گردد. خوب است آقا لطف فرمایند و رعایت این نکات را بکنند.

رئیس -- رأی میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس را کسیون قبول دارد؟ چون عبارت را قدری تغییر داده اند مخیر -- پیشنهادشان را بفرمائید قرائت کنند.

(بعبارت ذیل خوانده شد)

وزارت مالیه مجاز است از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان برای آوردن آب بطهران و جبران خسارت و ضرر املاک و دکاکینی که خراب شده بجهت مصالح بلديه بلديه طهران اعتبار بدهند. (مدرس)

رئیس -- مقصود این است که در اول پیشنهادشان (خراب شده و میشود) بود حالا (خراب شده) نوشته اند (خطاب به آقای مدرس) توضیح بدهید.

مدرس -- چون پیشنهاد شده است لهذا اگر دو سه کلمه زیاد تر توضیح داده شود بعقیده بنده ضروری ندارد. فرمایشاتی که آقایان از اول تا حالا کرده اند من با تماش موافقم. اعم از موافق یا مخالف. هر کدام حرفهایشان بجای خودش صحیح بود الا با يك کلمه که من مخالفم و آن تعریض است. هر کسی باید عقاید سیاسی خودش را بگوید اما به عقیده دیگری نباید تعریض داشته باشد. اما شخص بنده عقیده ام اینست طهران که سهل است شهرهای دیگر هم که سهل است دهات ایران هم باید مثل

دهات و قصبات اروپا باشد (بعضی از نمایندگان -- صحیح است) از حیث ظاهر و مقبولی و خوبی باید تمام بلاد و قصبات ایران مثل اروپا باشد

اما از حیث باطن و عقیده دینی هم انشاء الله الرحمن امیدوارم شهر جابلق و جابلسا که ما بآن عقیده داریم باشد. هیچ منافات هم با هم ندارد. حالا گفته شود که مدرس غیب گفت يك پیش بینی غلطی کرد ولی من عرض میکنم تا این مئه تمام نشده چراغ برقهای در طهران روشن خواهند شد که ناسی و پنج فرسخ روشنایی و نور خواهد داد تا آنوقت من میمیرم ولی شما زنده هستید و خواهید دید

حالا آمدیم سر مسئله پیشنهاد. عقیده بنده اینست که این بلديه غیر قانونی است انشاء الله الرحمن این نظامنامه که میگذرد باید بلديه قانونی تشکیل شود و این اعتباری که پیشنهاد شده برای بلديه پیشنهاد شده نه برای شخص این بلديه. تا این هست البته شروع کنید ولی بلديه قانونی که انشاء الله تشکیل شد عملیات را تکمیل کنید. این خانهای که خراب شده باید پولش را داد اعم از اینکه قانوناً خراب شده باشد یا غیر قانونی. و اینها که خراب شده باید دوباره ساخته شود خواه قانونی خراب شده باشد خواه غیر قانونی. اگر شما می گوئید خانهای که خراب شده چون غیر قانونی بوده نباید پول داد بنده مخالفم و اگر بگوئید این بلديه فعلی غیر قانونی است بیدخود آدم فرستاده و برای آب آوردن نقشه برداشته اند باز بنده مخالفم. در هر حال يك مخارجی شده و آن مخارج را باید داد. از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این مبلغ صد و بیست و پنج هزار تومان را به بلديه اعتبار بدهند بجهت آوردن آب در طهران و بجهت خرابیها و ساختمانهایی که شده عجاله باید وسایل کار را تدارک کرد تا انشاء الله بیست روز دیگر این قانون بلدی از مجلس میگذرد و مجریان که اقتاد اگر این اعتبار بدست بلديه فعلی خرج شده بود که هیچ

و هر مبلغی که باقی ماند بملدیه قانونی تکمیل کند و اگر غیر از این عقیده دارید بفرمائید چه باید کرد؟ میفرمائید این خرابی هائی که شده چون غیر قانونی بوده نباید پولش را داد؟ بسا ختمهائی که لازم است نباید کرد؟ این نمیشود و بنده مخالف نیستم که عبارت ساختمان هم اضافه شود.

مخبر - بنده می خواستم از آقای مدرس استدعا کنم چون که ضرر و خسارت را در قانون ذکر کردن صلاح نیست برای اینکه حالا اگر عده از آقایان عقیده دارند که این ضرر و خسارت است عده دیگری هم عقیده دارند که ضرر و خسارت نیست در هر صورت موضوع نظری است ولی در موقع قانون گذاری اگر مجلس تصدیق کند که ضرر و خسارت بر خلاف قانون نکسی وارد آمده این بر خلاف شأن مجلس است. بنده استدعا دارم از آقای مدرس که اجازه بفرمایند این جمله که مرقوم فرموده اند (جبران و ضرر) مرقوم بفرمایند. ساختمان و این بهتر است.

وزیر مالیه - اینجا در عبارت پیشنهاد شاید اختلاف نظر باشد و الا در اصل معنی و مقصود با نظری که آقای مدرس اظهار فرمودند و آقای مخبر هم تأیید کردند بنده هم موافقم. یعنی این مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان يك اعتباری است که بوزارت مالیه داده میشود که وزارت مالیه این وجه را به مخارجی که بملدیه میکند بپردازد حالا شما می خواهید تخصیص بدهید این اعتبار را به مخارج آوردن آب و ساختمان بنده موافقم ولی با این شرط که مسئله درست روشن شود نه بنده و نه مجلس نباید تکلیف جزئیات و جریانات کار اداره بملدیه را معلوم کنیم. بملدیه خیابان سازی می کنند و يك مخارجی دارد ما در اصطلاح خود مان میگوئیم مخارج ساختمان. البته وقتی که خیابان سازی میکنند يك دکاتی را برای عریض کردن خیابان ها خراب میکنند وقتی خراب میکنند باید يك

وجهی بصاحبان دکاکین پرداخته شود. همینطور که باید بصاحبان دکاکین پول بدهد در عین حال شاید خیابان دیگر را هم لازم بداند بدون اینکه جایی را خراب کند مثلاً خیابان جلیل آباد یا جای دیگر را شاید مقتضی بداند بسازد. اگر شما بخواهید اختصاص قائل شوید خوب نیست و اسباب زحمت میشود. مقصود این است که شما در رأی که می دهید بان مقصودی که دارید برسید و آن دادن اعتبار است به بملدیه برای مصرف آوردن آب و ساختمان خیابانها. این را باید با يك عبارتی نوشت که آن مقصود را تأمین کند. اگر مقصود شما از این اختصاص این است که از این محل منها کنید آن قسمت پشت میز نشین را بسیار خوب. ولی این مقصود حاصل بود پس دیگر نباید تخصیص داد منحصرأ به خیابان چراغ برق که اگر فردا بملدیه در ضمن انجام این کارها خواست سایر خیابانها را هم تسطیح کنند آن وقت نتوانند یعنی مالیه پایش را بگذارد بیخ بخر بملدیه و بگویند که این پول فقط مال چراغ برق است و برای جای دیگر مجلس اجازه نداده. بنده می خواهم رفع اشکال بشود برای مالیه و برای بملدیه در قسمت خودش. اصل این مسئله این است. مقصود آقایان این است که این صد و بیست و پنج هزار تومان صرف مخارج ساختمان بشود و خیابانها درست شود و بالاخره خسارت آن اشخاصی که دکاشان را خراب کرده اند جبران شود. و نمیخواهید صرف بودجه اداری شود بنده هم با این مقصود موافقم ولی طوری بفرمائید که اسباب زحمت شود و ما دچار اشکال شویم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده با این پیشنهاد مخالفم.

رئیس - آقای مخبر راجع به پیشنهاد آقای مدرس چه میفرمائید.

مخبر - اگر اجازه بفرمائید پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات و آقای مدرس را یکی بکنیم بعد يك پیشنهاد

جامعی درست میکنیم که تمام مقاصد بعمل آمده باشد رئیس - پس چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

کفیل وزارت امور خارجه - چون بواسطه الغاء کار گذاری ها بعضی تغییرات در بودجه وزارت خارجه شده است بودجه جدید را تقدیم و بودجه قدیمی مسترد می شود.

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس بشکل جدیدی درآمده است قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد سابق خود را از این قرار پیشنهاد میکنم.

وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ برای آوردن آب رود خانه از خارج بطهران و نادیه قیمت خرابیهای وارده از عریض شدن خیابانها و ساختمان همان خیابانها پرداخت نماید

رئیس - آقای مدرس

مدرس - در حقیقت يك تغییر اساسی نشده فقط توضیح همان پیشنهاد قبل است و در حقیقت مقصود سه چیز است. یکی آوردن آب رود خانه است از خارج به طهران. یکی هم جبران خسارت هائی است که از این خرابیها بدکاکین مردم وارد شده. و یکی هم ساختمان همان جاها یعنی همان خیابان هائی است که در آنجا خرابی وارد شده نه خیابان جدید. این پول مصرفش این سه جا است این توضیحی است که لازم بود عرض کنم.

مخبر - بنده از طرف کمیسیون این پیشنهاد را قبول میکنم.

رئیس - خوب پس رأی راجع باین پیشنهاد میباشد

برای آخر. سایر پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای طاهری:

ماده واحده را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم.

وزارت مالیه مجاز است که از اضافه عایدات ۱۳۰۵ مبلغ صد و بیست و پنج هزار تومان برای نادیه قیمت عادلانه اراضی و امکنه و دکاکین خیابان چراغ برق که برای توسعه خیابان مزبور تصرف شده و میشود همچنین برای آوردن آب شهر طهران در ۱۳۰۶ بملدیه بپردازد

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - بنده پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده واحده بشرح ذیل نوشته شود ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ صد و بیست و پنج هزار تومان از اضافه عایدات ۱۳۰۵ بقرار ذیل بدارد بملدیه اعتبار بدهد:

مخارج آوردن آب به طهران صد هزار تومان. برای

جبران خسارت مالکین مستغلات خیابان چراغ برق

بیست و پنج هزار تومان

رئیس - آقای دهستانی

میرزا بدالله خان دهستانی - در پیشنهاد آقای مدرس

مقصود بنده هم تأمین شده از اینجهت پیشنهاد خود مرا

مسترد میدارم

رئیس - آقای استرابادی پیشنهاد جناب عالی هم

قرائت بشود

معتضد استرابادی - بلی

رئیس - آقای بامداد پیشنهاد جناب عالی هم

قرائت بشود

بامداد - بلی

(پیشنهاد آقای استرآبادی باین نهج خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود

تبصره - بیست هزار تومان از وجه مزبور بمصرف

کوچه های جنوب طهران برسد

رئیس - آقای استرآبادی

معتقد استرآبادی - يك اصل مسامی كه هیچ قابل انكار نیست مسئله ترجیح بلامرجح است كه هیچ جائز نیست. در طی مذاکرات آقایان فرمودند كه تعمیرات اختصاص بيك خیابان يك ترجیح بلامرجحی است و بنده تصور میکنم این اصل باید همیشه رعایت شود زیرا قطع نظر از اینکه نباید این پول باین مصرف ها برسد كانه اصلاً بلدیة قسمت جنوبی شهر طهران را جزو شهر نمیداند برای اینکه هرچه توجه میکند به قسمت شمالی بالای شهر است و حال آنكه جنوب شهر هم احتیاج به ساختمان و تنظیف دارد. فقط تنها کاری كه بلدیة كرده این است كه در این اواخر در قسمت جنوبی شهر طهران يك سنگ فرش مختصری كرده اند و ذرعی دو قران كتر یا بیشتر هم از صاحبان خانه ها میگیرند. پس حالا كه این پول به بلدیة داده میشود چون مردمان نقاط جنوب شهر اگر فقیر و بی بضاعتند خوب است لامحاله بیست هزار تومان از این محل را به قسمت جنوبی شهر اختصاص بدهند كه بلدیة اقلا سنگ فرش آنحدود را بکند و این ذرعی دو قران را از مردم بیچاره نگیرد

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(كسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(بشرح آبی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم این مبلغ اختصاص باید برای آوردن آب بطهران بشرط اینکه موجب خشکی قطعات و زراعتهای دیگر نشود.

همین آب نزاع شده و هفت تا خون واقع شده است. پس کدام آب را شما می خواهید بطهران بیاورید. اگر مقصود این است كه آن تهیه كنید و بیاورید كه خیلی خوب است ولي اگر مقصود این است كه این آب موجوده یعنی جاجرود و آب لار را بطهران بیاورید به عقیده بنده خوب نیست زیرا این دو منبع مهم آذوقه ما از بین خواهد رفت و صرف نظر از اینکه طهرانها دچار قحطی خواهند شد عده زیادی از دهات و دهاتیها هم از بین خواهند رفت. پس لازم است در مقابل این فرمایشاتی كه میفرمایند آب جاجرود و هراز زیاد است و محل احتیاج چندان نیست و از این جهت خیال داریم بطهران بیاوریم این توضیحات داده شود. نظر موقع عمل اگر يك روزی این بد بختی ها پیش آمد همه بدانند كه این قضایا در مجلس گفته شده است دیگر بنده عرضی ندارم. حالا الحمدلله پیشنهاد آقای مدرس همه قضایا را سهل كرد ولي بابد این مسئله هم توضیح داده شود

مخبر - حالا كه مقصود نماینده محترم این است كه مردم میگویند این حرفها در مجلس زده شده بنده خدمتشان عرض میکنم این نظریه ایشان را متخصص فنی نامین كرده سایرین یعنی آنهایی هم كه نظرشان این است آب برای طهران بیاورند همچو نیست كه از این فرمایشات ایشان بی اطلاع باشند با این مسائل را ندانند در موضوع آب جاجرود البته در آن مقداری كه متعلق بمردم است دولت هیچ دخالتی نخواهد كرد و آب ملك مردم را نخواهد آورد ولي يك مقدار از این آب مال خود دولت است و برای اطلاع آقایانیکه مسبوق نیستند عرض میکنم الان خود دولت آن قسمت خودشرا میفروشد و پولش را میگیرد حالا باید دید مصرف آب دولت در كجا بهتر و مناسبتر است؟ البته این قسمت مربوط به نظر خود دولت است و متخصصین تشخیص مسئله را خواهند داد. و در قسمت آب لار هم بنده بكنفر كه بمازندران رفته ام بر خلاف مشهورات آقا دیده ام كه مقدار زیادی

آبهای رودخانهها هم متصل میشود و بدریا میریزد و اگر این آبها را بیاورند هیچ جا ضرری ندارد مگر اینکه بگویند آبها در دریا برای تهیه ماهی لازم است؟! و اگر بنا شود این خیالات را ما بكنیم البته دور تسلسل لازم میآید اگر امسال موضوع آن مازندران بنظر آقا رسیده است. برای این است كه برای این نامه. قسمت مازندران را هیچوقت آب لار تأمین نمیکند بلکه از و آسمان و باران محصول آنجا تأمین میکنند. خلاصه این كه آب لار ابدأ هیچ جا بر نمیدخورد.

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای بامداد

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا

سید یعقوب.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از كله مجاز است اضافه شود بعنوان قرض و در آخر ماده اضافه شود بلدیة قانونی مركز مكلف است بعد از افتتاح بانك ملی ایران ترتیب پرداخت این قرض را بدهند.

یعقوب الموسوی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم آقای دشتی كه یکی از اقویاء موافقین این لایحه هستند عرابض بنده و فرمایشات آقای تقی زاده را تصدیق كردند. و خود آقای شیروانی هم میدانند علت اینکه نمایندگان از ولایات میآیند بمركز فلسفه اش این است كه نظارت در وجوه عمومی داشته باشند. ما آمده ایم در مركز نظرم از وجوه عمومی چیست؟ در سابق لایحه از طرف دولت پیشنهاد شد كه باید اضافات ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ صرف سرمایه بانك ملی شود. در این موضوع دولت آمد و بیان كرد و بطور كلی توضیحات داد. بعد خورده خورده هی



از جیب وزیر مالیه لایحه بیرون آمد که فلان جایست هزار تومان ، فلان جا صد و بیست و پنج هزار تومان فلانجا چقدر تا جائی که وقتی تا آخر سر حساب کنیم می بینیم مبلغی هم بدهکار میشویم . از طرف دیگر مافائل شده ایم که باید بانک ملی افتتاح کنیم . و سرمایه او هم از اضافات این سنوات باید تأمین شود . بنده که بکنفر از نمایندگان ولایات هستم از طرف موکلین خودم حاضرم که این وجه را بعنوان قرض به بلدیته طهران بدهند برای اینکه صرف آوردن آب بکنند و از جاجرود یا لار یا جای دیگر آب تهیه کنند و بطهران بیاورند بنده با این ترتیب موافقم . لکن در افتتاح بانک ملی که همه ما ها بان رای دادیم و موافقیم باید يك اقدامی بکنیم و موافق باشیم بر اینکه این اضافات بان مصرف برسد فعلا این پول بعنوان قرض داده میشود بعد که بلدیته قانون تشکیل شد چون بلدیته يك مؤسسه است که اعتبار دارد می تواند این وجه را مسترد دارد . ( ولی بشرطیکه نصر الملك مأمورش نباشد ) عقیده بنده این است که آقای مخبر هم با آن جدیدی که در افتتاح بانک ملی دارند و از آن طرف هم با مسؤلیتی که نمایندگان ولایات در حفظ این وجوه دارند با این پیشنهاد موافقت بفرمایند

وزیر مالیه - بنده نسبت بان پیشنهادی که آقا دادند و سایر پیشنهاداتی که نسبت بمآزاد عایدات که برای تأسیس بانک معین شده بعنوان قرض موافق نیستم . البته اگر تا حالا بانک تأسیس شده بود يك قسمت از اضافه عایدات بسرمایه بانک رفته بود و البته برای بانک هم که عنقریب تشکیل خواهد شد يك سرمایه معین میشود ولی برای مخارج لازم ضروری غیر بودجه که برای یکی از ادارات پیش می آید باید از يك محلی داده شود و این صد و بیست و پنج هزار تومان هم همین طور که توضیح دادند يك مخارج غیر ثابت و فوق العاده است که محل آن از اضافه عایدات ۱۳۰۵ معین شده و اضافه عایدات

هم اغلب برای همین قبیل مخارج منظور می شود و این هیچ مانع الجمع با آن مقصود و نظری که آقا دارند نیست .

آقاسید یعقوب - معلوم میشود پیشنهاد بنده را قبول کردند .

وزیر مالیه - بنده ابدأ قبول نکردم بلکه برعکس عرض کردم که بعنوان قرضه موافق نیستم

کازرونی - پس مخالفید؟

وزیر مالیه - بله . موافق نیستم یعنی مخالفم بنده کله موافق نیستم را جور دیگری نمیتوانم تعبیر کنم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند ( کسی قیام نکرد )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای بامداد ( بمضمون ذیل خوانده شد )

پیشنهاد میکنم که این مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان بعنوان قرض از بودجه عمومی بلدیته طهران اعتبار داده شود بامداد

جمعی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شد

رئیس - این پیشنهاد چیز دیگری هم ندارد . در قسمت است يك قسمتش رد شد

آقای بامداد

بامداد - اگر نظر آقایان باشد وقتی که قانون بلدیته مطرح بود بنده در ماده اولش عرض کردم که باید کاملا بلدیته ها استقلال داد زیرا بلدیته يك مؤسسه ملی است و بودجه اش هیچ مربوط ببودجه دولت و خزانه مملکت نیست بلدیته هر شهری طوری است که باید مبلغی از خودش اعتبار داشته باشد . در بیست و یکسال قبل که بنده از مشهد به طهران میآمدم مسئله بنظرم رسید باد کوبه آب ندانست آرا از دریا تقطیر و شیرین میکردند و از صد فرسخی ایشیرین می آوردند . هفده ملیون منات طلا انوقت بلدیته باعتبار خودش قرض

هم که بلدیته طهران خرج میکند از بودجه عمومی است بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .

دشتی - اجازه بدهید همینطور است بلدیته سابقاً يك عوارض و عوایدی داشته از قبیل نواقل و پولی که از اتومبیل ها میگرفتند و غیر این ها . ولی در نتیجه تمرکز عایدات تمامه این عوارض جزء بودجه عمومی شده و حالا از بودجه میگیرند و خرج میکنند . خود بلدیته طهران لان مبلغی مالیات و مستغلات داد که جزو بودجه عمومی شده . بلدیته اصفهان و شیراز هم همینطور از بودجه عمومی میدهند . پس دیگر معنی ندارد که بگوئیم بلدیته این پول را از بودجه عمومی قرض کند . از کجا قرض کند ؟ شما هر وقت بلدیته مستقل پیدا کردید که از خودش عوارض معینی داشت انوقت این حرف را بزنید . ولی حالا مورد ندارد

مخبر - عرض کنم . يك جمله را آقای دشتی فراموش کردند بفرمایند . معروف است وقتی بيك کسی گفتند لب بام ایستاده عقب تر برو نیفتی این آنقدر عقب عقب رفت تا از آن طرف بام بزیر افتاد . ما در نتیجه تجربه و عمل در ولایات دیدیم مالیاتهای کوچک کوچکی مثل مالیات نواقل و ذغال و هیزم از ولایات میگرفتند که سر جمع آن مالیات ها ده هزار تومان میشد ولی مردم بیست هزار تومان تحمیل وارد میشد و هیچ فائده اساسی نداشت . ما با بيك هلپله و شادمانی این مالیات منحوس را لغو کردیم و در مقابلش در سرحد يك مالیات آسانتر و سهولتر و غیر مرئی وضع کردیم و برای دو مطلب اختصاص دادیم . یکی برای بلدیته ولایات و یکی هم برای ساختن طرق و شوارع . طهران در آن موقع متجاوز از نهد هزار تومان عوائد بلدیته داشت ولی حالا در ماه سی و دو هزار تومان میگیرد . حالا کمتر از آن مأخذیکه سابق داشت باو میدهند و از روی آن ماده قانونی که وضع کردیم سهم او بیشتر از این نمیشد .

حالا چون بيك معایبی بر خوردیم میخواهیم در قانون

کرد برای آوردن آب غرض این است بلدیته هر جائی دارای يك اعتبارانی است قانون هم که میگذرد وقتی که بان ماده بیست و نه قانون رسیدیم باید در آنجا هم حق وضع مالیات داده شود . ولی البته حالا اهالی و نمایندگان ولایات راضی نمیشوند که پول آنها صرف منافع طهران بشود منتهی بجهاتیکه آقایان موافقین این لایحه اظهار کردند خسارات مردم باید از این راه حیران شود . حالا که این نظر را دارند خوب است که بلدیته این پول را از بودجه عمومی مملکت قرض کند و بهمان کار های مفیدی که در نظر دارند برسد البته همانطوری که یکی از آقایان فرمودند اگر بنا شود چراغی سد دينار هم بگیرند باز بعد از یکسال این پول استهلاک خواهد شد هیچ ضرری ندارد که حالا این پول را قرض کنند و بعد از سه چهار سال مسترد دارند که هم از بودجه عمومی مملکت خرج نشده باشد و ضرری هم بکسی نخورده باشد و هم حق کسی فوت نشده و کار از پیش رفته باشد و تصور میکنم اغلب آقایان کمسیون بودجه که نمایندگان ولایات هستند باید با این نظر موافقت کنند و حق موکلین خود را ادا کنند .

رئیس - آقای دشتی .

دشتی - يك قسمت از آقایان نمایندگان بيك اشتباهی کردند که باید رفع شود و آن این است که غالباً خیال کردند بلدیته مؤسسه مستقلى است و عوارض و عوائد معینی دارد و حالا علاوه بر آن عوارض و عوائد می خواهد بيك پولی از بودجه مملکت بگیرد این بيك اشتباهی است که شده است عرض میکنم تمام عوائدی که بلدیته داشته جزو بودجه عمومی شده و حالا از همان محل بودجه عمومی میخواهند بگیرند و باو بدهند . الان هیچکدام از بلدیته ها از خود عایدات مستقلى ندارند . و این بيك اشتباهی است که بعضی از آقایان کرده اند . هر پولی که به بلدیته ها میدهند از بودجه عمومی مملکتی است . پولی

بلدی يك اصلاحاتی بکنیم. در نتیجه آن قانون به بعضی از ولایات ظلم شد و بعکس به بعضی جاها يك عایدات زیاد تر داده شد. مثلاً قصبه كرنه بواسطه كثرت عبور و مرور چهار هزار تومان عایدی پیدا کرد در صورتیکه کرمانشاه که يك شهر مهمی است خیلی کمتر عایدی دارد. حالاً ما خواسته ایم اصول مالیات گیری را که در مملکت ما روی يك پایه صحیح و مستقیمی نیست اصلاح کنیم و گفتیم که در سرحدات يك پولهای غیر مرئی بگیریم و باین مقصد برسانیم. این مقصود ما بود. حالاً در این مقصود بقدری عقب عقب میرویم که داریم از آن طرف می افتیم. متصل گفته میشود که بلدی و ولایات باید يك مالیاتهای بگیرند و باید بلدیها مستقل شوند و باید عایدات داشته باشند و انجمن بلدی باید حق وضع مالیات داشته باشند حتی آقای بامداد فرمودند که بلدی باید چندین بار بودجه مملکتی عایدات داشته باشد ولی لازم است عرض کنم که این مملکت طاقت اینگونه مالیات ها را ندارد. شاید این نظر اساساً مورد تصدیق باشد ولی فعلاً موردی ندارد. الان همین مالیاتی که در سرحد میگیرند مردم نمیتوانند بدهند

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای بامداد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حشمتی قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار تومان برای درست کردن مجرا و آوردن آب رودخانه جهت شهر طهران و تأدیه قیمت دکا کین و خانهای که برای وسیع کردن خیابان چراغ برق خریده و جزو خیابان میشود و ساختن خیابان مزبور از محل اضافه

عایدات ۱۳۰۵ توسط اداره بلدیة کار سازی نموده و هر سه ماه صورت مخارجی که از این اعتبار میشود بمجلس شورای ملی تقدیم دارد (حشمتی) رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - این پیشنهاد بنده به پیشنهادی که آقای مدرس کردند اساساً تفاوتی ندارد فقط دو قسمت در این پیشنهاد ذکر شده که بنده ذکرش را لازم میدانم در پیشنهاد آقای مدرس مرقوم شده (برای ساختمان خیابان ها و دکا کینی که خراب شده) سی و پنج هزار تومان از این وجه برای این کار اختصاص داده شده و اگر بطور مطلق نوشته شود به صاحبان خانهها و دکا کین بدهند کافی نیست و فعلاً خیابان چراغ برق محل ابتلاء و توجه است زیرا يك قسمت از آنجا خراب شده و بقیه اش هم باید درست شود و به عقیده بنده اگر این مبلغ بهمان خیابان چراغ برق اختصاص داده شود خیلی بهتر است. مطلب دیگر که بنده اضافه کردم این است که در آخر هر سه ماه به ماه صورت حساب این کار را به مجلس شورای بدهند که تمام آقایان و کلا و اهالی مملکت از مخارج و مصارفی که بلدی کرده اطلاع پیدا کنند و این پیشنهاد بنده هیچ با آن پیشنهادی که آقای مدرس فرموده اند منافات ندارد حالاً دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض میکنم در قانون که نباید تمام چیزها را نوشت آقای مدرس پیشنهاد کردند برای تعمیر خیابانها. خود بلدی می رود و هر جا را لازم است درست میکند. والا نمیشود که اسم دکان و صاحب دکان و نمرة و نشانه او را در قانون ذکر کنند. یکی دیگر راجع به صورت حساب فرمودند دکان میکنم این قسمت بهیچ وجه محتاج به قید و ذکر نیست زیرا خود بلدی الان هم صورت اقدامات و مخارج خودش را تماماً چاپ میکنند و به دیوار های شهر می چسباند.

رئیس - رأی میکنیم. قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد آقای حشمتی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای زوار. پیشنهاد کرده اند صد و بیست و چهار هزار تومان داده شود آقای زوار

زوار - عرض کنم اگر این هزار تومان کوچولو برای موافقین و مخالفین خیلی کوچولو است ولی برای بنده که از این موقع استفاده میکنم برای گفتن حقایق خیلی زیاد است. می خواهم يك حقایق را عرض کنم ولی در حدود ماده شصت و سه نه بالا میرویم نه پائین اولاً راجع به خانه ها این جا يك اظهاراتی شد که خانه ها را بزور خراب کرده اند (يك همچو اظهاری بگوش بنده خورد) بنده اطلاع کامل دارم که اگر خانه هائی برای جزو شدن بخیا بان گرفته میشود پول آن را بقیمت عادلانه تأدیه میکنند و به نراضی طرفین معامله میکنند و بطوری که بنده اطلاع دارم چندین خانه که در معبر عام واقع شده بود برضایت طرف گرفته و پولش را دادند. يك قسمت دیگر راجع به ایالات و ولایات بود که آقایان معتقد بودند نباید پول آنجا ها را آورد و در طهران خرج کرد و بلدی به داد بنده عرض میکنم مطابق این شعر چه عضوی بدرد آورد روزگار دکتر عضو ها را نماند قرار. طهران جزو لایتنجری ایران است و البته بایستی تمام ایران خودش را حاضر کند برای داشتن يك پایتخت خیلی مهم و آبرومندی تا باعث آبرومندی تمام ولایات بشود بنده از طرف موکلین خودم بنوبه خودم حاضریم که از دسترنج موکلینم این پول را تصویب کنم تا ایران يك پایتخت آبرومندی پیدا کند و از اینجهت هیچ مانع و رادعی نیست که از ایالات و ولایات بیاورند و در طهران که پایتخت مملکت است خرج بکنند. این عقیده بنده است...

کازرونی - عقیده بنده خلاف این عقیده است زوار - واز اینجهت پیشنهادی که تقدیم کرده ام پس میکنم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده واحده به ترتیبی که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند بکنفران نمایندگان - مجدداً قرائت شود (مجدداً بترتیب سابق خوانده شد)

رئیس - این را باید عرض کنم در موقعی که بدستور رأی گرفتیم آقای امیر حسین خان پیشنهادی کردند که دو جزو داشت يك قسمت آن همین پیشنهادی بود که آقای دشتی کردند و ایشان تقاضا کردند پیشنهادشان تجزیه شود ولی از طرف بنده قصوری شد اشتباه کرده و فراموش شد. به پیشنهاد آقای دشتی که رأی گرفتیم در واقع بجزء اول پیشنهاد ایشان رأی داده شده برای رفع سوء تفاهم لازم بود عرض کنم رأی گرفته میشود بماده واحده به ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب می کنند ورقه سفید می دهند و الا ورقه ككبود خواهند داد

(در اینموقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده پنجاه و پنج ورقه سفید تعداد شد)

اسامی رأی دهندگان

آقایان: احتشام زاده - دادگر - نوبخت - وزیر - شبروانی - محمود رضا - کی استوان - دهستان - جلالی - بهبهان - میرزا حسن خان ونوق - ملك مدنی - بهار بدر - بالیزی - اسعد - عمادی - امیر حسین خان - نکهبان - طباطبائی دیبا - موقر - نجومی - اسفندیاری - مرتضی قلیخان بیات - آقا سید حسین آقایان - خواجوی حیدری - محمد آخوند - روحی - آقا سید کاظم - ملك ایرج میرزا پور تیمور - میرزا عبدالله خان ونوق - فومنی - زوار - ساکینیان - امیر اسدالله خان - بحی خان زنگنه - محمد ولی میرزا - دکتر محمد خان مصدق - سید جواد محقق - میر ممتاز - اسکندر خان مقدم -

## قانون

اجازه پرداخت یکصد و بیست و پنجهزار تومان برای آب طهران و عریض نمودن خیابانها از محل اضافه

عایدات ۱۳۰۵

مصوب ۲ مهرماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارتنامه مجز است مبلغ یکصد و بیست و پنجهزار تومان از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ برای آوردن آب رودخانه از خارج بطهران و تأدیه قیمت خرابیهای وارده از عریض شدن خیابانها و ساختمان همان خیابانها پرداخت نماید

اینقانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دوم مهر ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس

حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی

شورای ملی رسید

امضا کنندگان پیشنهاد میکنیم که خبر کمیسیون مالیه راجع به خالصجات انتقالی در جلسه سه شنبه چهارم مهر در دستور مقدم باشد

فهیمی - طاهری - دولتشاهی و جمعی دیگر

رئیس - معلوم میشود موضوع ندارد. چون هنوز

خبر کمیسیون بودجه نرسیده است. دستور همان قانون بلدیه است.

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

فرزند - حقنویس - ذوالقدر - سلطانمحمد خان - دیوان  
بیکی - حشمتی - فهیمی - طاهری - عصر انقلاب - دشتی  
جشیدری - ابراهیمی - بی سلیمان

رئیس - عده حاضر هشتاد و يك. با پنجاه و پنج

رای تصویب شد.

پیشنهادی راجع به دستور جلسه آتیه داده شده باید رای گرفته شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

www.iran-archive.com